

زیر نام برد: اکوادور، پرو، ترینیداد و توباگو، کانادا، کلمبیا.
 کمیته برای تشویق دولت‌های عضو به اجرای «تصمیمات» خود،
 گزارش‌گر ویژه‌ای را برگزیده است که وظیفه دارد از دولت‌های عضو
 بخواهد اطلاعات لازم را درباره‌ی تمام اقداماتی که به پیروی از این
 تصمیمات انجام داده‌اند، به صورت مکتوب ارسال کنند.

۱۷. پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از چه حقوقی حمایت می‌کند؟

این پیمان به ویژه حقوق زیر را به رسمیت می‌شناسد: حق کار؛ حق بهره‌مندی
 از اوضاع عادلانه و مناسب کار که به‌خصوص مُزد منصفانه و دستمزد برابر
 برای کار برابر را بی‌هیچ تبعیضی تأمین می‌کند؛ حق تشکیل اتحادیه و پیوستن
 به اتحادیه‌ی برگزیده؛ حق تأمین اجتماعی؛ حق سطح زندگی مناسب شامل
 خوراک، پوشاک و مسکن مناسب؛ حق حمایت از خانواده؛ حق بهره‌مندی از
 بهترین حال سلامتی جسمی و روانی که برای هرکس دست‌یافتنی است؛ حق
 آموزش و پرورش؛ حق مشارکت در زندگی فرهنگی؛ حق بهره‌مندی از
 پیشرفت علمی و... هر کشور عضو این پیمان متعهد می‌شود که «با استفاده از
 حداکثر منابع موجود خود به منظور تضمین فزاینده‌ی اجرای کامل حقوق
 شناخته شده در این میثاق... اقدام کند» [ماده‌ی ۲]. اجرای هیچ‌یک از این حقوق
 رانمی‌توان به حالت تعلیق درآورد.

۱۸. برای تضمین اجرای پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چه ساخت‌کاری پیش‌بینی شده است؟

نهاد مسئول نظارت بر اجرای پیمان، کمیته‌ی حقوق اقتصادی،
 اجتماعی و فرهنگی است که آن را شورای اقتصادی و اجتماعی در

دانش‌آزموز چه
 کتاب‌های شما
 حواشی من دیدم که
 این‌ها هم در
 مسوولیت‌های
 بدهند



۱۹۸۵ تأسیس کرده است. این کمیته از هجده کارشناس مستقل تشکیل شده که شورای اقتصادی و اجتماعی آنان را از میان نامزدهای پیشنهادی دولت‌های عضو این پیمان برمی‌گزیند. اعضای این کمیته براساس صلاحیت‌های شخصی خود و به عنوان افراد مستقل انجام وظیفه می‌کنند.

کمیته در جلسه‌ی علنی گزارش‌های ادواری دولت‌های عضو را درباره‌ی تدابیری که برای اجرای تعهدات مندرج در پیمان در پیش گرفته‌اند و نیز پیشرفت‌های انجام شده در این زمینه را بررسی می‌کند. نمایندگان دولت‌های عضو می‌توانند در جلساتی که کمیته برای بررسی گزارش تقدیمی دولت‌هایشان برگزار می‌کند، حضور یابند و در گفت‌وگوهای سازنده شرکت کنند. ممکن است آنان برای تهیه‌ی اطلاعات تکمیلی نیز دعوت شوند. کمیته همچنین تمام اطلاعات معتبری را که نهادهای تخصصی ملل متحد می‌توانند در حوزه‌ی صلاحیت خودشان فراهم آورند، در نظر می‌گیرد و سازمان‌های غیرحکومتی را دعوت می‌کند که با اطلاعات کتبی یا اظهارات شفاهی در کارهای مشارکت ورزند. اگر دولتی نتواند به درخواست اطلاعات تکمیلی پاسخ دهد، کمیته می‌تواند خواستار موافقت آن دولت با اعزام یک یا دو عضو این کمیته برای بازدید از آن کشور و یاری به دولت مورد نظر در انجام دادن تعهداتش و برآورد کمک‌های فنی و خدمات مشاوره‌ای لازم شود.

کمیته هر سال نظر خود را درباره‌ی گزارش‌های دولت‌های عضو و ملاحظات نهایی خود را نیز به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم می‌کند. این ملاحظات مهم‌ترین موضوعات مورد بحث را دربرمی‌گیرند، جنبه‌های مثبت و مهم‌ترین نگرانی‌ها، عوامل و موانع

سدکننده‌ی اجرای پیمان را مشخص می‌سازند و پیشنهادهای و توصیه‌هایی عرضه می‌کنند. این ملاحظات منبع اطلاعات مهمی هستند که در اختیار همگان قرار دارند.

هیچ آیین‌نامه و رویه‌ای وجود ندارد که بررسی شکایت‌های افراد یا دولتی را از یک دولت دیگر ممکن سازد.

۱۹. برای کمک به دولت‌های عضو در اجرای این پیمان چه وسایلی پیش‌بینی شده است؟

کمیته به دعوت شورای اقتصادی و اجتماعی، «ملاحظات عامی» را درباره‌ی مواد و مقررات مختلف پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین می‌کند. هدف این ملاحظات، کمک به دولت‌های عضو در اجرای تعهداتشان در مورد تهیه‌ی گزارش‌ها و یاری تدریجی به رعایت کامل حقوق شناخته شده در پیمان است. کمیته در سومین ملاحظه‌ی عام خود دو ماده‌ی پیمان را تشریح کرده که دولت‌های عضو را به اقدامات فوری فرا می‌خواند. این دو ماده به منع هر نوع تبعیض و تعهد به «عمل کردن»، یعنی دست زدن به اقداماتی مربوط می‌شود که باید «سنجیده و معین باشند و اجرای مقررات مندرج در پیمان را هرچه روشن‌تر دنبال کنند». کمیته در همین ملاحظه‌ی عام خاطر نشان می‌کند که تمام دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که «در هر حال اجرای حداقل ضروری هر یک از حقوق مندرج در پیمان را تضمین کنند». یگانه استثنا در موردی است که دولتی بتواند ثابت کند که به علت کمبود منابع قادر به انجام این تعهد نیست.

سایر «ملاحظات عام» موضوعاتی مانند حق مسکن و تدابیر مربوط

به کمک‌های بین‌المللی را که به پیمان مرتبط می‌شوند، در بر می‌گیرند.

۲۰. آیا کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رویه‌های دیگری را به کار بسته است؟

کمیته در طول هر یک از اجلاس‌های خود روزی را به بحث عام درباره‌ی یکی از حقوق معین یا جنبه‌ی خاصی از پیمان اختصاص می‌دهد تا به درک بهتر مسائل مورد نظر یاری رساند. از میان مسائل مهمی که تاکنون به بحث گذاشته شده‌اند، موارد زیر را می‌توان بر شمرد: حق خوراک کافی، حق مسکن، نقش شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، حقوق سالخورده‌گان و کهن سالان، حق مشارکت در زندگی فرهنگی. خلاصه‌ی این مباحثات در گزارش سالیانه‌ی کمیته به شورای اقتصادی و اجتماعی می‌آید.

۲۱. آیا نظارت دقیق بین‌المللی بر اجرای تعهدات مربوط به حقوق بشر، دخالت در امور داخلی دولت‌ها به حساب می‌آید؟

دولت باید ضامن و حامی حقوق بشر باشد و بر اساس قاعده‌ی مرسوم می‌که بر روابط میان دولت‌ها حاکم است، حکومت‌ها در اصل حق دخالت در امور داخلی دولت‌های دیگر را ندارند. برای مدتی طولانی چنین معمول شده بود که حقوق بشر در حوزه‌ی مسئولیت داخلی دولت‌ها قرار دارد. چنین عرفی هنگامی رفته‌رفته رو به افول گذاشت که مسلم شد تجاوزات به حقوق بشر، برای صلح و امنیت جهانی تا چه حد پر مخاطره است. در ۱۹۹۳، در اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین که به تصویب کنفرانس جهانی حقوق بشر رسیده، آمده است که:

«ترویج و حفظ تمام حقوق بشر یکی از دغدغه‌های مشروع جامعه‌ی بین‌المللی است» (ماده‌ی ۴). به همین ترتیب مجمع عمومی ملل متحد در قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۸/۱۲۵ در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ در بند ۲ و ۵ رهنمودهای عملی خاطر نشان کرده که: «هدف ملل متحد و وظیفه‌ی همه‌ی اعضای آن، ترویج و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و هوشیاری دائمی در برابر انواع تجاوز به حقوق بشر در هر جایی است که چنین تجاوزی روی دهد». و «ترویج، حفظ و عملی شدن کامل تمام حقوق بشر و همه‌ی آزادی‌های اساسی که دغدغه‌های مشروع جامعه‌ی جهانی هستند، باید در پرتو اصول پرهیز از گزینش، واقع‌بینی و بی‌طرفی هدایت شوند».

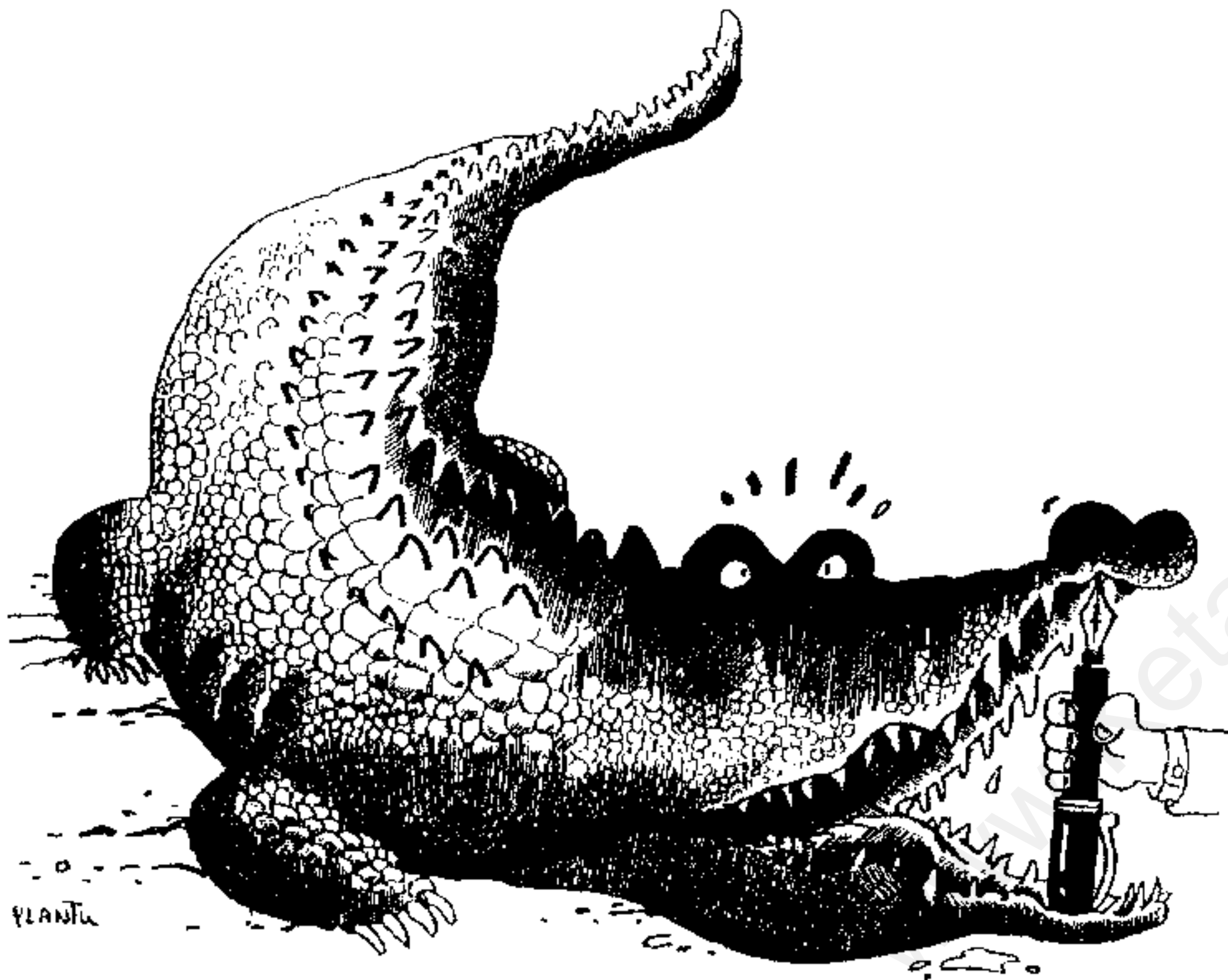
دولت‌ها معمولاً در مورد نظارت دقیق دیگران بر سابقه و عمل کرده‌های‌شان در زمینه‌ی حقوق بشر بدگمان هستند و موضع دفاعی می‌گیرند. آن‌ها همواره بند ۷ ماده‌ی ۲ منشور ملل متحد را گوش زد می‌کنند که بر اساس آن ملل متحد مجاز نیستند «در اموری که ذاتاً در حوزه‌ی صلاحیت داخلی هر کشوری هستند» دخالت کنند. در واقع چنین برخوردی در اغلب موارد راه‌گشایی برای اجرا نکردن کامل الزامات ناشی از قوانین بین‌المللی است. البته آگاهی به این بهانه‌جویی نیز رو به افزایش است. اما در هر حال این برخورد مانع از آن نشده که مسائل حقوق بشر در سازمان ملل متحد مطرح شوند. به علاوه در منشور ملل متحد به صراحت آمده است که صلح و ثبات بین‌المللی از رعایت مؤثر حقوق بشر جداایی ناپذیراند و یکی از هدف‌های این سازمان ایجاد اوضاع مناسب برای صلح و اجرای حقوق بشر است که پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تمام مردمان را نیز در بر می‌گیرد.

۲۲. علاوه بر منشور بین‌المللی حقوق بشر، دیگر اسناد مهم ملل متحد در عرصه‌ی حقوق بشر کدام‌ها هستند؟

مجمع عمومی و دیگر نهادهای مشورتی و قانون‌گذاری سازمان ملل متحد تعداد زیادی معاهده، اعلامیه و توصیه تصویب کرده‌اند که به تدقیق و تشریح حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی و پیمان‌های بین‌المللی می‌پردازند و یا در مواردی حقوقی را اعلام می‌کنند که در منشور بین‌المللی حقوق بشر درج نشده‌اند. اطلاعیه‌ها و توصیه‌ها معمولاً تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد را شامل می‌شوند اما اعتبار قانونی معاهده‌ها را ندارند؛ معاهده‌ها برای دولت‌هایی که آن‌ها را تصویب کرده و عضوشان شده‌اند، لازم‌الاجرا هستند.

سازمان ملل متحد دولت‌ها را سخت تشویق می‌کند که قواعد بین‌المللی را رعایت نمایند، قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر را امضا کنند، یا به آن‌ها بپیوندند و موادشان را در قوانین کشورهایشان بگنجانند. این اسناد بین‌المللی، پایه‌ی قانونی و ارزشی تقویت دموکراسی هستند.

بعضی از این اسناد بین‌المللی به حق زندگی، پیکار با تبعیض، حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، حقوق اقوام بومی، قربانیان جنگ و پناهندگان مربوط می‌شوند که در زیر به بررسی یک‌یک‌شان می‌پردازیم. متن‌های دیگری که در این جا به آن‌ها اشاره می‌کنیم عبارت‌اند از: معاهده‌ی منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۵)، معاهده‌ی حقوق کودک (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۳۳)، معاهده‌ی وضعیت پناهندگان و مقاله‌نامه‌ی مربوط به آن (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۴۵).



۲۳. برای پیش‌گیری از کشتار جمعی چه تدابیری پیش‌بینی شده است؟

در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی ملل متحد معاهده‌ی منع و مجازات کشتار جمعی را تصویب کرد. این معاهده که در ۱۹۵۱ به اجرا گذاشته شد، به امضای تقریباً ۱۲۰ دولت رسیده است. در این معاهده، کشتار جمعی به مثابه ارتکاب بعضی از اعمال به نیت نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی نام برده شده است. کشتار جمعی امری است که در زمان صلح صورت گیرد. در زمان جنگ، به موجب «حقوق بین‌المللی جنایت محسوب می‌شود و بهر صورت جنایت برضامش است».

در ماده ۱ این معاهده مقرر شده که اشخاص متهم به ارتکاب کشتار جمعی، یا به دادگاه‌های صالح کشور محل وقوع جرم فرستاده خواهند شد یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که دولت‌های عضو این معاهده صلاحیت آن را به رسمیت شناخته‌اند.

۲۴. اصل عدم تبعیض در چه اسناد دیگری بسط یافته است؟

اصل اساسی عدم تبعیض در ماده‌ی ۱ منشور ملل متحد آمده (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۶) و در منشور بین‌المللی حقوق بشر و تمام دیگر اسناد مهم مربوط به حقوق بشر نیز تکرار شده است. از دو سند خاصی که به این اصل می‌پردازند، یکی به تبعیض نژادی مربوط می‌شود و دیگری به تبعیض بر ضد زنان.

۲۵. کدام سند به پیشکار با تبعیض نژادی اختصاص یافته است؟

معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در ۱۹۶۹ به اجرا گذاشته شده و تاکنون به امضای تقریباً ۱۵۰ دولت رسیده است.^{۱۲} این

معاهده در واقع کامل‌ترین بیانیه‌ی ملل متحد در مورد تبعیض مبتنی بر «نژاد، رنگ، نسب، منشأ ملی یا قومی» است. دولت‌های عضو این معاهده متعهد می‌شوند که سیاستی را دنبال کنند که هدفش از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و حمایت از گروه‌های قومی آسیب‌پذیر است تا بدین ترتیب اجرای کامل حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در شرایط مساوی برای آنان تضمین شود.

۲۶. معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی چگونه به اجرا درمی‌آید؟

کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی (CERID) که از هجده کارشناس مستقل تشکیل شده و به موجب ماده‌ی ۸ معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی ایجاد گشته، بر نحوه‌ی اجرای معاهده توسط حکومت‌ها نظارت می‌کند. این کمیته چند وظیفه بر عهده دارد که مهم‌ترین آن‌ها، بررسی گزارش‌های ادواری دولت‌های عضو درباره‌ی تدابیری است که برای اجرای معاهده در پیش گرفته‌اند. به هنگام بررسی این گزارش‌ها نمایندگان دولت‌ها می‌توانند در جلسات کمیته شرکت کنند و کمیته می‌کوشد در پرتو گفت‌وگویی دوستانه آنان را به انجام دادن تعهدات‌شان تشویق کند. کمیته در گزارشی که درباره‌ی کارهای هر اجلاس تنظیم می‌کند، جمع‌بندی خود را از گزارش‌های هر یک از دولت‌های عضو ارائه می‌نماید؛ این جمع‌بندی شامل پیشنهادها و توصیه‌هایی درباره‌ی اجرای هرچه کارسازتر معاهده است. بعضی از دولت‌ها با توجه به همین توصیه‌ها قانون اساسی و سایر قوانین خود را تغییر داده، تبعیض نژادی را به جرمی قابل مجازات بدل ساخته و برنامه‌های آموزشی و نهادهای تازه‌ای برای حل مسائل مربوط به

تبعیض نژادی ایجاد کرده‌اند.

کمیته هر ساله گزارشی به مجمع عمومی ملل متحد می‌دهد. این مجمع می‌تواند با تأیید پیشنهادهای و توصیه‌های عام کمیته، آن‌ها را معتبر سازد. کمیته همچنین می‌تواند شکایت‌های دولت‌ها را از یکدیگر دریافت کند؛ بگذریم که تاکنون هیچ دولتی چنین شکایتی نکرده است.

۲۷. کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی چه اقدامات دیگری می‌تواند انجام دهد؟

این کمیته تدابیر متعددی برای رفع تبعیض نژادی در پیش گرفته است. از جمله می‌توان از تدابیر زیر نام برد: اخطار سریع که هدفش پیش‌گیری از تبدیل مسائل حل نشده به درگیری‌های حاد است؛ ابتکارهای اعتمادآفرینی که به گسترش دگرپذیری و همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های قومی یاری می‌رسانند؛ و نیز اقدامات اضطراری کمیته به هنگامی که تجاوزات وخیم به اصول معاهده، بحرانی حاد را موجب می‌شوند. در همین چارچوب کمیته، فرستادن هیأت‌های نمایندگی را به مناطقی که وضعیتی بسیار نگران‌کننده دارند، آغاز کرده است.^{۱۳}

۲۸. آیا افراد می‌توانند در مورد تجاوز به معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، به کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی شکایت کنند؟

ماده‌ی ۱۴ معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی کمیته را صالح می‌داند که شکایت‌های افراد یا گروه‌هایی از افراد را بر ضد

دولتی بررسی کند که حق دادخواهی فردی را به رسمیت شناخته است. این بررسی محرمانه صورت می‌گیرد. چنین رویه‌ای از دسامبر ۱۹۸۲ به اجرا درآمده است. بیش از ۲۰ دولت این حق را به رسمیت شناخته‌اند^{۱۴} و کمیته چندین شکایت را بررسی کرده، به نتایجی رسیده و نظریات خود را درباره‌ی آن‌ها منتشر کرده است.^{۱۵}

۲۹. آیا این اصول در دیگر اسناد نیز یافت می‌شوند؟

یکی از اسناد بسیار مهم در این زمینه اعلامیه‌ی یونسکو درباره‌ی نژاد و پیش‌داوری‌های نژادی است که در کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۸۷ با ابراز احساسات شدید به تصویب رسیده است. همچنین باید از قطع‌نامه‌ی اجرایی این اعلامیه نام برد که در آن دولت‌های عضو دعوت شده‌اند که به میانجی‌مدیر کل یونسکو، اقداماتی را که برای اجرای اصول این اعلامیه انجام داده‌اند، به اطلاع کنفرانس عمومی برسانند. سازمان‌های غیرحکومتی بین‌المللی نیز دعوت شده‌اند که در راه تحقق کامل و همه‌جانبه‌ی اصول مندرج در این اعلامیه یاری و همکاری کنند.

۳۰. برای پیکار با تبعیض جنسی چه مقرراتی تدوین شده است؟

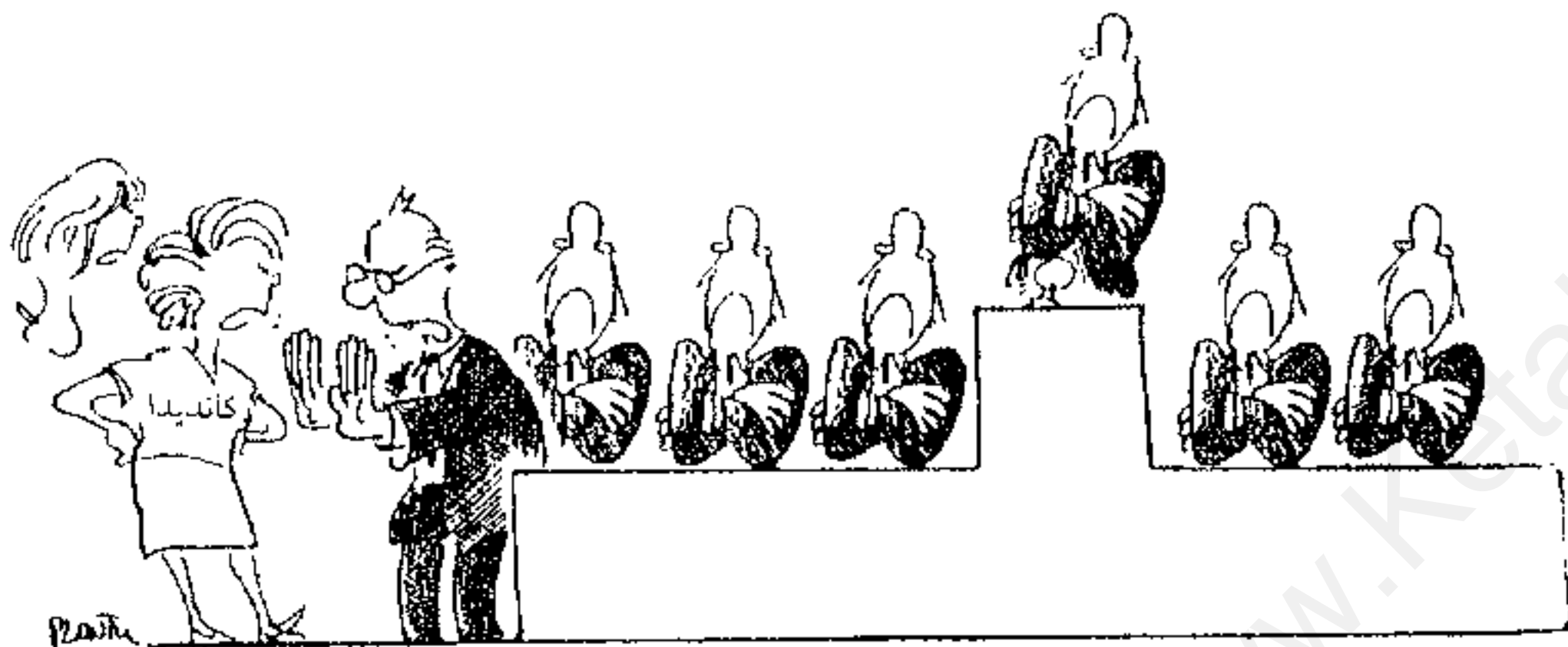
معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض بر ضد زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده و در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به اجرا گذاشته شده است. امروزه بیش از ۱۵۰ دولت عضو این معاهده شده‌اند.^{۱۶} در هیچ یک از مواد این معاهده امکان شکایت علیه یک دولت، خواه از جانب افراد یا دولتی دیگر، پیش‌بینی نشده است.

به موجب ماده‌ی ۱۷ این معاهده، کمیته‌ی رفع تبعیضات بر ضد زنان با شرکت بیست و سه کارشناس مستقل ایجاد شده است. این کمیته گزارش‌های ادواری دولت‌های عضو را درباره‌ی اقداماتی که برای اجرای مفاد این معاهده انجام داده‌اند، بررسی می‌کند و توصیه‌های عامی در مورد موادی از معاهده یا مسائل مرتبط با آن ارائه می‌نماید. کمیته در ۱۹۲۲ توصیه‌ی عام شماره‌ی ۱۹ را درباره‌ی خشونت نسبت به زنان صادر کرده است. اگرچه در معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض بر ضد زنان، به این شکل از خشونت اشاره‌ی خاصی نشده، کمیته آن را نوعی تبعیض بر ضد زنان و در نتیجه ناقض آشکار چهار ماده‌ی اول معاهده می‌داند. کمیته در این توصیه تدابیر ویژه‌ای را پیشنهاد می‌کند که دولت‌ها برای محافظت از زنان در برابر خشونت می‌توانند در پیش بگیرند. کمیته همه‌ساله گزارشی به مجمع عمومی تقدیم می‌کند که نتیجه‌ی بررسی گزارش‌های دولت‌ها و ملاحظات پایانی و توصیه‌های عام خود این نهاد را در بر می‌گیرد.

۳۱. چرا معاهده‌ی جداگانه‌ای به حقوق زنان اختصاص یافته است؟

موضوع معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض بر ضد زنان، تأمین عملی برابری میان زنان و مردان و پیکار با تبعیض‌هایی است که زنان ممکن است قربانی‌شان باشند، به‌ویژه شکل‌های خاصی از تبعیض مانند ازدواج اجباری، خشونت خانگی، دست‌یابی کم‌تر به امکانات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و زندگی عمومی، و نیز تبعیض در زمینه‌ی کار و شغل.

کمیسیون وضعیت زنان (نهاد تشکیل شده از نمایندگان دولت‌ها) نیز که در ۱۹۴۶ برای تقویت و تحکیم برابری جنسی تشکیل شده، از



همان آغاز فعالیت خود، اهمیت این مسائل را به رسمیت شناخته بود. مسئولیت نگارش این معاهده را نیز همین کمیسیون بر عهده گرفت و با تأکید بر جدایی ناپذیری حقوق شخص آدمی، توجه همگان را به مسائل توسعه جلب کرد، زیرا در این عرصه، تحولات احتمالی بر زنان بسیار تأثیر می‌گذارند. این کمیسیون به تازگی دست‌اندر کار تعیین تدابیر عملی مناسب برای تأمین و تحقق حقوق زنان شده است.

۳۲. برای تضمین برابری وضعیت زنان چه راهبردهایی پی‌گیری شده است؟

هدف اساسی این راهبردها، گنجاندن حقوق زنان در تمام فعالیت‌های سازمان ملل و ایجاد ساخت‌کارهای خاصی برای شناخت نقض حقوقی است که به ویژه به زنان مربوط می‌شوند.

سازمان ملل متحد چند کنفرانس جهانی را به ترویج و تقویت حقوق زنان اختصاص داده است: کنفرانس مکزیکوسیتی در مکزیک (از ۱۹ ژوئن تا ۲ ژوئیه ۱۹۷۵)^{۱۷}، کنفرانس کینهاک در دانمارک (از ۲۴ تا ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۰)^{۱۸} و کنفرانس نایروبی در کنیا (از ۱۵ تا ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۵). کنفرانس جهانی زنان که در ۱۹۸۵ برگزار شده «راهبردهای آینده‌نگرانه‌ی نایروبی برای ارتقای زنان تا سال ۲۰۰۰» را تصویب کرده است. هدف این راهبردها ایجاد برابری حقیقی میان زنان و مردان در تمام عرصه‌ها و رفع تمام شکل‌ها و جلوه‌های تبعیض در مورد آنان است.

در اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین (۱۹۹۳) با تأکید خواسته شده که نهادهایی از سازمان ملل که به حقوق بشر می‌پردازند، مسائل خاص مربوط به حقوق زنان را نیز هرچه بیشتر در فعالیت‌های‌شان بگنجانند.

در این اسناد شناسایی ویژگی حقوق زنان و نیز ضرورت گسترش راه‌های به اجرا درآوردن آن‌ها خاطر نشان شده است. یکی از این راه‌ها اجرای قاطعانه‌تر معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض بر ضد زنان است.

در پی اعلامیه‌ی وین، کمیسیون حقوق بشر در پنجاهمین اجلاس خود قطع‌نامه‌ای را تصویب کرده و در آن خواستار شده که «در عرصه‌ی بین‌المللی کوشش‌های بیشتری برای گنجاندن اصول مربوط به برابری وضعیت زنان و حقوق اساسی آنان در مهم‌ترین فعالیت‌های مجموعه‌ی سازمان ملل متحد صورت گیرد»^{۱۹}.

در اعلامیه‌ی رفع خشونت بر ضد زنان که در ۱۹۹۳ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده^{۲۰}، از تمام دولت‌ها خواسته شده که برای منع و مجازات هرگونه خشونت بر ضد زنان، اقدامات ضروری را در پیش گیرند. در مارس ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بشر گزارش‌گر ویژه‌ای را برای مسأله‌ی خشونت بر ضد زنان برگزیده که مأموریتش، بررسی علل و پیامدهای این خشونت است.

در چهارمین کنفرانس جهانی زنان که از ۴ تا ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵ در پکن (چین) برگزار گشت، بر اهمیت اقدامات ضروری برای تأمین پیشرفت زنان و به ویژه مشارکت کامل و همه‌جانبه‌ی آنان در فرایند توسعه، بهبود وضعیت‌شان در جامعه و فراهم آوردن امکانات فزاینده‌ی آموزشی برای آنان تأکید مجدد شده است.

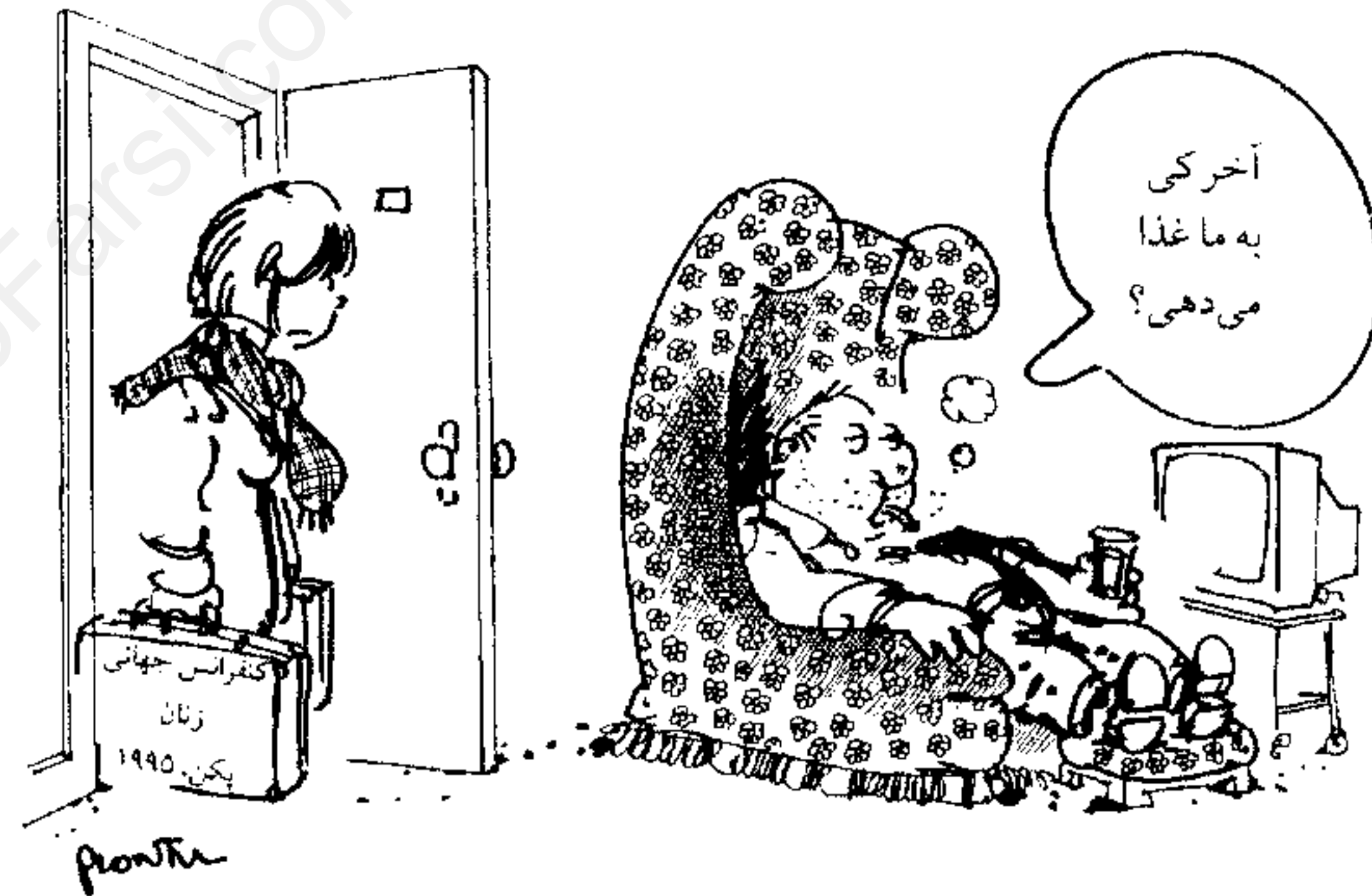
۳۳. آیا در قوانین بین‌المللی حقوق بشر از حقوق کودکان حمایت شده است؟

در دوم سپتامبر ۱۹۹۰، معاهده‌ی حقوق کودک، کم‌تر از یک سال پس از تصویب در مجمع عمومی ملل متحد در نوامبر ۱۹۸۹ به اجرا گذاشته

شد. تعداد بسیاری از کشورها - در حدود ۱۹۰ کشور - آن را تاکنون امضا کرده‌اند.^{۲۱} دولت‌های عضو این پیمان متعهد می‌شوند که تمام اقدامات ضروری را برای اجرای حقوق ذکر شده در آن انجام دهند و در درجه‌ی اول به منافع عالی کودک توجه کنند. این معاهده به مسائل متعددی می‌پردازد و اهمیت زندگی خانوادگی برای کودک را نیز در بر می‌گیرد.

کمیته‌ی حقوق کودک که به موجب این معاهده از ۱۰ کارشناس مستقل تشکیل شده، گزارش‌های ادواری دولت‌ها را در مورد اقدامات‌شان برای اجرای معاهده بررسی می‌کند و سپس ملاحظات نهایی خود را اعلام می‌نماید. این ملاحظات، پیشنهادها و توصیه‌هایی را درباره‌ی هر یک از گزارش‌های ادواری در بر می‌گیرد. نمایندگان نهادهای تخصصی می‌توانند به هنگام بررسی گزارش‌ها در جلسات کمیته شرکت کنند و اطلاعاتی فراهم آورند یا درباره‌ی عرصه‌ی خاص صلاحیت خودشان نظر کارشناسی بدهند. کمیته درخواست‌های نظر کارشناسی یا کمک‌های فنی را که در گزارش‌های دولت‌ها آمده‌اند به نهادهای تخصصی ابلاغ می‌کند. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)^{۲۲} که در ترویج این معاهده نقش مهمی ایفا می‌کند، در کارهای کمیته مشارکت فعالانه دارد. کمیته می‌تواند به مجمع عمومی توصیه کند که بررسی یکی از مسائل خاص مربوط به حقوق کودک در دستور کار دبیر کل قرار گیرد (وضعیت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، موضوع یکی از بررسی‌های اخیر بوده است).

یک گزارش‌گر ویژه که برگزیده‌ی کمیسیون حقوق بشر است، در حال حاضر مسأله‌ی فروش و فحشای کودکان و بهره‌برداری هرزه‌نگارانه [تهیه‌ی صور قبیحه] از آنان را با توجه به رواج بین‌المللی



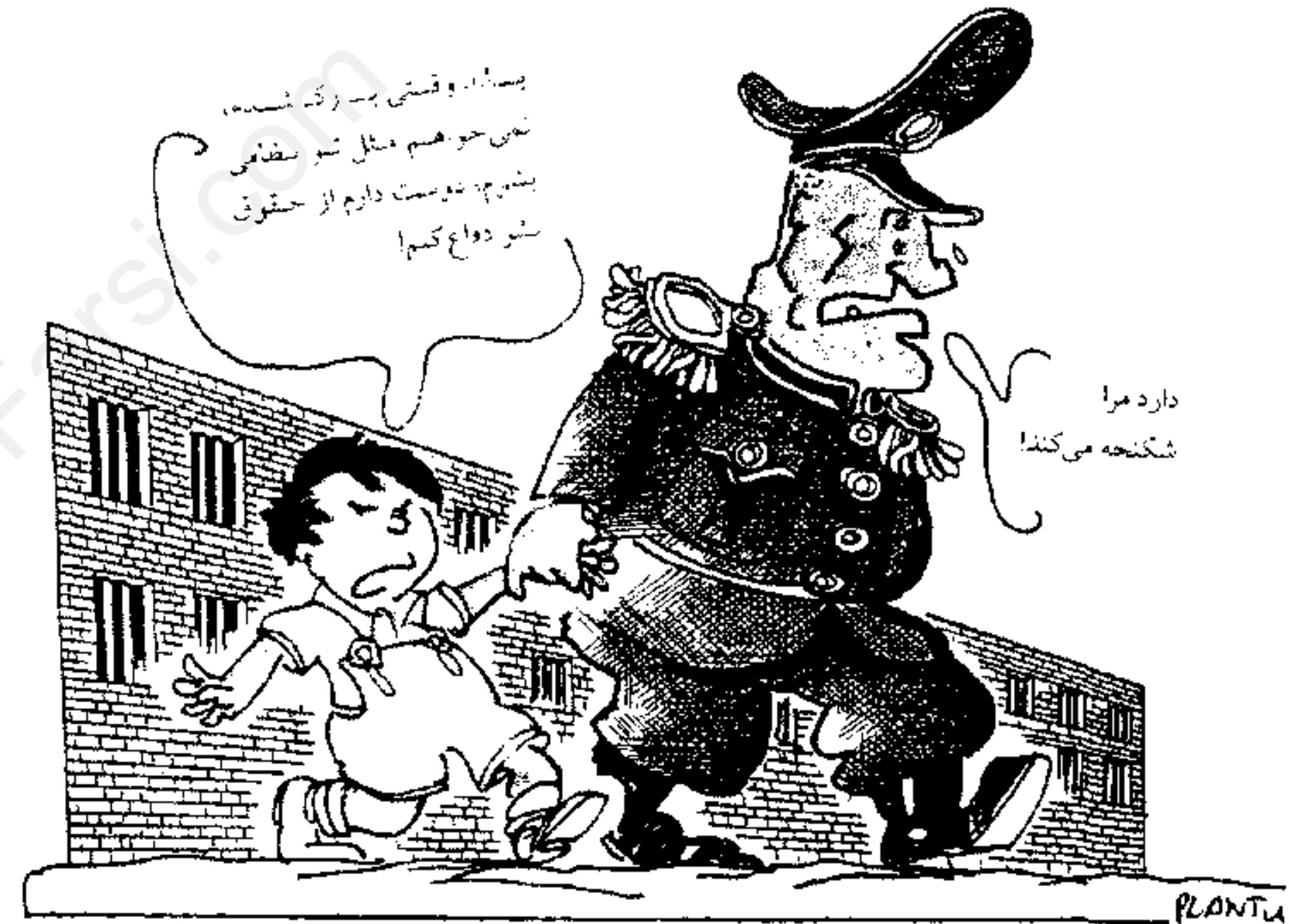
فزاینده‌ی این اعمال [ضد بشری] بررسی می‌کند.
منشور آفریقایی حقوق و آسایش کودکان که به تصویب سازمان
وحدت آفریقا رسیده (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۷۳) پس از امضای
پانزده دولت عضو به اجرا گذاشته می‌شود.^{۲۳}

۳۴. برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها چه اقداماتی صورت گرفته است؟

موضوع اقلیت‌ها مسأله‌ای تازه نیست و یکی از علل ایجاد کمیسیون
فرعی پیکار با اقدامات تبعیض‌آمیز و حمایت از اقلیت‌ها بوده که از
نهادهای مکمل کمیسیون حقوق بشر است. موضوع یکی از نخستین
مطالعاتی که این کمیسیون فرعی انجام داده، به حقوق اشخاص متعلق
به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی مربوط می‌شود.^{۲۴} یک تحقیق
مهم دیگر نیز به تازگی به همین موضوع اختصاص یافته است.^{۲۵}
شیوه‌های جدید و مؤثرتر حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها، رفته‌رفته
پدیدار می‌شوند.

۳۵. برای حمایت از اشخاص متعلق به اقلیت‌ها چه مقرراتی پیش‌بینی شده است؟

کامل‌ترین سندی که منحصرأً به حقوق اقلیت‌ها می‌پردازد، اعلامیه‌ی
حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی است
که در ۱۹۹۲ در مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آرا به تصویب رسیده
است.^{۲۶} در دیباچه‌ی این اعلامیه آمده است که ترویج و تحقق حقوق
اشخاص متعلق به اقلیت‌ها «بخش جدایی‌ناپذیر تحول جامعه... در
یک چارچوب دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون است...» در ماده‌ی



اول اعلامیه از دولت‌های عضو خواسته شده که هویت اقلیت‌ها را شناسایی و تقویت کنند. مجمع عمومی نیز دولت‌ها را دعوت کرده که «برای ترویج و عملی ساختن شایسته و بایسته‌ی اصول این اعلامیه، تمام تدابیر ضروری را، به ویژه در عرصه‌ی قانون‌گذاری، در پیش گیرند»^{۳۷}.

۳۶. در کدام یک از دیگر اسناد حقوق بشر به حقوق اقلیت‌ها اشاره شده است؟

ماده‌ی ۲۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۳۰ معاهده‌ی حقوق کودک، هر دو اشاره می‌کنند که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها (و نه گروه‌های اقلیت‌ها) نباید از حق داشتن زندگی فرهنگی خاص خود، عمل به دین یا کاربرد زبان خودشان محروم شوند. کمیته‌ی حقوق بشر، نهاد مسئول نظارت بر اجرای پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۱۳)، به موجب مقاله‌نامه‌ی اختیاری مربوط به همین پیمان، شکایت‌های افرادی را دریافت داشته که مدعی بودند قربانی نقض ماده‌ی ۲۷ شده‌اند.^{۳۸} معاهده‌ی پیکار با تبعیض آموزشی که در ۱۹۶۰ به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسیده است، از حق اقلیت‌های ملی برای انجام دادن فعالیت‌های آموزشی مطلوب خودشان حمایت ویژه به عمل می‌آورد (ماده‌ی ۵) و هرگونه تبعیضی را نسبت به هر گروهی از اشخاص ممنوع می‌کند (ماده‌ی اول).

۳۷. چرا مسأله‌ی اقلیت‌ها فوریت و ضرورت بیشتری یافته است؟

در پایان دهه‌ی ۸۰ و اوایل دهه‌ی ۹۰، مسأله‌ی حقوق اقلیت‌ها به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی بدل شده است. در این سال‌ها در واقع

شاهد ستیزه‌های درونی بسیار خشونت‌آمیزی بوده‌ایم که گسترش آن‌ها با درد و رنج‌های انسانی توصیف‌ناپذیر، آوارگی انبوه انسان‌ها و اختلال و خیم در حیات اقتصادی و اجتماعی همراه بوده است. به درگیری‌های درونی به‌ظاهر حل‌ناپذیری که آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را به آشوب کشانیده‌اند، درگیری‌های جدیدی افزوده شده که زاده‌ی فروپاشی اتحاد شوروی (سابق) و تجزیه‌ی یوگوسلاوی (سابق) هستند؛ در مورد یوگوسلاوی حتی شاهد گسترش اقدام نفرت‌انگیز و جنایت‌کارانه‌ی «پاک‌سازی قومی» بوده‌ایم.

بسیاری از این درگیری‌ها از نارضایی اقلیت‌ها سرچشمه می‌گیرند که زاده‌ی اعتراض‌ها و تبعیضی است که دیرزمانی نادیده گرفته شده‌اند. مطالبات هویت‌جویانه که غالباً بازبچه‌ی منافع سیاسی می‌شوند در قالب خواست خودمختاری بیان می‌گردند. وقتی که این خواست نادیده گرفته می‌شود و هیچ ساخت‌کاری هم برای حل بحران پیش‌بینی نشده است، به دشواری می‌توان از درگیری خشونت‌آمیز، یا حتی جنگ داخلی پرهیز کرد.

در دستور کار برای صلح^{۳۹}، پطرس پطرس - غالی دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، خاطر نشان می‌کند که به‌رغم همکاری فزاینده‌ی دولت‌ها در چارچوب اتحادهای منطقه‌ای و قاره‌ای، «ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی در این جا و آن جا با شدتی تازه پدیدار می‌شوند و مبارزات خشونت‌آمیز قومی، دینی، اجتماعی، فرهنگی یا زبانی، وحدت و یکپارچگی دولت‌ها را به مخاطره می‌افکنند». او همچنین تأکید می‌ورزد که «یکی از شرایط ضروری برای حل این مسائل، رعایت حقوق بشر و به‌ویژه حقوق اقلیت‌ها - اعم از اقلیت‌های قومی یا دینی، اجتماعی یا زبانی - است».

۳۸. آیا برای حل این مسائل رویه‌های جهانی وجود دارند؟

در مورد بسیاری از مسائل جامعه‌ی بین‌المللی نتوانسته است پاسخ مؤثر و مناسبی بیابد. این نکته نشان می‌دهد که همان‌گونه که در دستور کار برای صلح خاطر نشان شده، روی آوردن به سیاست پیش‌گیری، برای آرام کردن تنش‌ها پیش از آن‌که به درگیری بینجامند، تا چه حد ضروری است. برای این کار باید در پی وسایل مسالمت‌آمیز بود و تدبیر پیش‌گیرانه‌ای را به اجرا گذاشت؛ به عنوان مثال به یاری نظام‌های احتیاط سریع می‌توان پیش از بروز خشونت‌ها، برای کاهش اختلافات مداخله کرد و در صورت امکان نارضایی‌هایی را رفع نمود که علت اصلی درگیری هستند.

۳۹. آیا برای حل این مسائل رویه‌های منطقه‌ای وجود دارند؟

کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSCE)، نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۸۱ (۳۰) برای پیش‌گیری از ستیزه‌ها، در دسامبر ۱۹۹۲ کمیسر عالی اقلیت‌های ملی را تعیین کرده که وظیفه دارد هنگامی که مسائل اقلیت‌های ملی تنش‌انگیز می‌شوند، با بهره‌گیری از نظام احتیاط سریع، انجام دادن اقدامات لازم را بی‌درنگ امکان‌پذیر سازد. این کمیسر عالی می‌تواند آزادانه به سرزمین هر یک از دولت‌های عضو برود و اطلاعات لازم را از تمام منابع، به‌ویژه از سازمان‌های غیرحکومتی، مستقیماً دریافت کند. امید می‌رود که حضور بی‌طرفانه‌ی این کمیسر، راه مباحثه و گفت‌وگو میان طرف‌های درگیر را هموار سازد و به حل اختلافات یاری رساند.

۴۰. برای حفظ حقوق افراد بومی چه تدابیری پیش‌بینی شده است؟

تعداد افراد بومی دست‌کم به ۳۰۰ میلیون نفر می‌رسد که در تقریباً هفتاد کشور در تمام مناطق دنیا پراکنده شده‌اند. مهم‌ترین سند بین‌المللی برای حمایت از حقوق آن‌ها، معاهده‌ی شماره‌ی ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار درباره‌ی افراد بومی و قبایل در کشورهای مستقل است که در ژوئن ۱۹۸۹ به تصویب رسیده و در ۱۹۹۱ به اجرا گذاشته شده است.^{۳۱} در این معاهده تأکید شده که هیچ دولت یا گروه اجتماعی حق ندارد هویت افراد بومی را انکار کند و دولت‌ها مسئولیت دارند که با مشارکت خود این افراد، رعایت حقوق و هویت آن‌ها را تضمین کنند. در چارچوب سازمان ملل متحد، کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی (CERD)، نگاه کنید به پرسش‌های شماره‌ی ۲۶ تا ۲۸) وضعیت افراد بومی را ارزیابی کرده و کمیته‌ی حقوق بشر (نگاه کنید به پرسش‌های شماره‌ی ۱۳ تا ۱۶) شکایت‌های اشخاص بومی‌ای را بررسی کرده که با استناد به ماده‌ی ۲۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مدعی نقض حقوق‌شان بوده‌اند. به موجب این ماده هرگونه تبعیض مبتنی بر تعلق قومی، دین یا زبان ممنوع است. گروه کار ملل متحد در مورد افراد بومی که در ۱۹۸۲ ایجاد شده، کانون فعالیت‌های مربوط به حقوق این افراد در درون سازمان ملل متحد است. این گروه علاوه بر بررسی سیاست‌های حکومت‌ها و ارائه‌ی توصیه‌هایی به کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و پیکار با اقدامات تبعیض‌آمیز، هر ساله فرصی فراهم می‌آورد که با استفاده از آن، ۵۰۰ تا ۶۰۰ نماینده از افراد بومی می‌توانند با نمایندگان حکومت‌ها، سازمان‌های غیرحکومتی و هیأت‌های ملل متحد به تبادل نظرهای آزاد و دموکراتیک بپردازند.

پیش‌نویس اعلامیه‌ی حقوق افراد بومی که از جمله حق خودمختاری، حق اداره‌ی سرزمین‌ها و منابع و به‌ویژه حق سخن‌گفتن به زبان خودشان را در بر می‌گیرد، در ۱۹۹۴ به تصویب کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و بیکار با اقدامات تبعیض‌آمیز رسیده است. این پیش‌نویس را باید یک گروه کاری به اجرا درآورد که تعداد اعضایش محدودیتی ندارد و کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۹۵ آن را ایجاد کرده است (قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۹۹۵/۳۲ مورخ ۳ مارس ۱۹۹۵). امکان تدوین پیش‌نویس اصول راهنمای حفظ حقوق فرهنگی و معنوی افراد بومی نیز در دست مطالعه است.

افراد بومی هنوز هم از گروه‌هایی هستند که در تمام کشورها از بیشترین تبعیض‌ها رنج می‌برند. آن‌ها نه فقط از لحاظ مسکن، بهداشت، امکانات آموزشی و اشتغال در غایت محرومیت به سر می‌برند، بلکه رفته‌رفته زمین‌ها و منابع خود را نیز که برای بقای‌شان ضرورت حیاتی دارند، از دست می‌دهند. در بعضی از کشورها افراد بومی قربانی دیگر تجاوزات و خیم به حقوق بشر مانند ناپدید شدن‌ها و اعدام‌های خودسرانه هستند. برای اصلاح این وضعیت، مجمع عمومی ملل متحد دهه‌ی بین‌المللی افراد بومی را اعلام کرده که از ۱۰ دسامبر ۱۹۹۴ آغاز شده است.^{۳۲} هدف این دهه تقویت همکاری بین‌المللی برای حل مسائل آزاردهنده‌ی این افراد است. روز بین‌المللی افراد بومی هر سال در نهم اوت جشن گرفته می‌شود.

۴۱. برای حفظ حقوق بشر در دوران جنگ چه مقرراتی تدوین شده است؟

بدیهی است که در دوران درگیری مسلحانه، تضمین اجرای مؤثر تمام حقوق بشر ممکن نیست. با این همه حمایت از حقوق اساسی بشر باید تضمین شود و همین امر، موضوع حقوق انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی است.

تاریخچه‌ی حقوق انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی از تاریخچه‌ی صلیب سرخ جدایی‌ناپذیر است. صلیب سرخ (که امروزه جنبش بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر نامیده می‌شود) به شکرانه‌ی کوشش‌های هانری دونان، انسان‌دوست سوئیسی شکل گرفت که در نبرد سولفرینو (۱۸۹۵)، کمک‌های داوطلبانه‌ی فوری به مجروحان جنگ را سازمان‌دهی کرد.

به موجب معاهده‌ی ژنو ۱۸۶۴ که نخستین توافق‌نامه‌ی چندجانبه‌ی حقوق انسان‌دوستانه بود، دولت‌های عضو به مداوای مجروحان جنگ، اعم از دوست یا دشمن متعهد می‌شوند. سپس دامنه‌ی این معاهده با معاهده‌ی ژنو (۱۹۰۶)، معاهده‌ی لاهه (۱۸۹۹) و (۱۹۰۷) و معاهده‌ی ژنو (۱۹۲۹) گسترش یافت.

پس از جنگ جهانی دوم که در طول آن اصول حقوق انسان‌دوستانه، و قبحانه زیر پا گذاشته شدند، مقررات انسان‌دوستانه‌ی موجود در آن زمان گسترش بیشتری یافتند و مدون‌تر شدند.

حمایت قانونی از نظامیان و غیرنظامیان ناشی از قواعد حاکم بر عملیات نظامی است که با نام «قانون لاهه» شناخته شده‌اند، و حمایت قانونی از قربانیان جنگ به‌طور عمده با چهار معاهده‌ی ژنو در سال ۱۹۴۹ تضمین شده است.^{۳۳} تقریباً تمام کشورهای دنیا به عضویت این معاهده‌ها درآمده‌اند.^{۳۴}

امروزه تمایز میان «قانون ژنو» و «قانون لاهه» تا حدی مصنوعی است و دو مقاله‌نامه‌ی الحاقی ۱۹۷۷ به معاهده‌های ژنو قواعد هر دو قانون را در بر می‌گیرند. مقاله‌نامه‌ی نخست^{۳۵} به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی مربوط می‌شود و مقاله‌نامه‌ی دوم^{۳۶} به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه‌ی غیربین‌المللی.

۴۲. در زمان درگیری مسلحانه، چه حمایتی برای افراد در نظر گرفته شده است؟

در چهار معاهده‌ی ژنو رعایت و حفظ حقوق مجروحان، بیماران و غریقان نیروی دریایی و نیز تمام زندانیان جنگی بی هیچ تمایزی پیش‌بینی و در نتیجه حق حمایت برابر برای تمام قربانیان جنگ تضمین شده است. معاهده‌ی چهارم به حفظ حقوق اشخاص غیرنظامی در دوران جنگ می‌پردازد. مقابله‌نامه‌های الحاقی این حمایت را به تمام اشخاص آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه گسترش می‌دهند و هرگونه حمله‌ی رزمندگان و طرف‌های درگیر را - اعم از این که درگیری بین‌المللی باشد یا درونی - به افراد و اهداف غیرنظامی ممنوع می‌کنند.^{۳۷}

کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳) از تمام دولت‌هایی که هنوز به معاهده‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و به مقابله‌نامه‌های الحاقی شان نپیوسته‌اند، مصرانه خواستار شده که به آن‌ها بپیوندند و برای تضمین اجرای کامل شان، تمام تدابیر مناسب در سطح ملی - از جمله تدابیر قانون‌گذاری - را در پیش گیرند.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ (CICR)^{۳۸} به مثابه میانجی بی طرف می‌کوشد به ابتکار خود، یا براساس معاهده‌های ژنو و مقابله‌نامه‌های تکمیلی آن‌ها، به یاری و پشتیبانی از قربانیان درگیری‌های مسلحانه‌ی بین‌المللی یا غیربین‌المللی و آشوب‌ها یا تنش‌های درونی بپردازد.

۴۳. برای برخورد با تجاوزات آشکار به حقوق انسان‌دوستانه چه

وسایلی پیش‌بینی شده است؟

شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطع‌نامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ (۱۹۹۳) دستور ایجاد دادگاهی بین‌المللی را برای محاکمه‌ی «اشخاص مظنون

به تجاوزات و خیم به حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی که از ۱۹۹۱ در قلمرو یوگوسلاوی سابق صورت گرفته» صادر کرده است. این دادگاه بین‌المللی می‌تواند به پی‌گرد اشخاصی بپردازد که به موجب تعریفی که در معاهده‌ی منع و مجازات کشتار جمعی آمده (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۲۳) متهم به اعمال کشتار جمعی هستند. یگانه وظیفه‌ی آن، پی‌گرد و مجازات اشخاص مسئول چنین تجاوزاتی است و تا هنگامی که صلح و امنیت بین‌المللی در این منطقه برقرار شود، به کار خود ادامه می‌دهد.^{۳۹}

این دادگاه بین‌المللی از یازده قاضی مستقل و یک دادستان مستقل تشکیل شده است. این دادستان مسئولیت تحقیقات و پی‌گردها را برعهده دارد و دستور پی‌گردها را نیز فقط خود او می‌تواند صادر کند. او در جریان تحقیقات می‌تواند از افراد مظنون، قربانیان و شاهدان بازجویی کند، به گردآوری دلایل و مدارک بپردازد و تحقیقات محلی انجام دهد. جمع‌آوری و دریافت اطلاعات لازم ممکن است از هر منبعی صورت گیرد. همه‌ی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد موظف‌اند هم برای تهیه و آماده‌سازی پرونده‌ها (به‌ویژه فرستادن اطلاعات و تحویل اشخاص متهم) و هم برای اجرای تصمیمات با دادگاه بین‌المللی همکاری کامل کنند. هر متهمی از تمام تضمین‌های محاکمه‌ی منصفانه بهره‌مند می‌شود. مجازات پیش‌بینی شده برای هر شخصی که در دادگاه بین‌المللی به تجاوزات و خیم به حقوق انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی محکوم شود، زندان است. حکم این دادگاه ممکن است در قلمرو هر دولتی که آن را پذیرفته باشد، به اجرا درآید. مجازات اعدام در قوانین این دادگاه پیش‌بینی نشده و حکم صادر شده قابل فرجام‌خواهی است.

دادگاه بین‌المللی هر ساله باید گزارش فعالیت‌هایش را به شورای امنیت و مجمع عمومی تسلیم کند.

۴۴. سازمان ملل متحد با چه وسایل دیگری می‌تواند در برابر نقض حقوق انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی واکنش نشان دهد؟

شورای امنیت طی قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۹۵۵ (۱۹۹۴) دادگاهی بین‌المللی ایجاد کرده است تا اشخاص متهم به کشتار جمعی یا دیگر تجاوزات و خیم به حقوق انسان‌دوستانه‌ی بین‌المللی در قلمرو رواندا و شهروندان رواندایی متهم به چنین کشتار یا تجاوزاتی در قلمرو دولت‌های همسایه را محاکمه کند.

۴۵. آیا در قوانین بین‌المللی از پناهندگان حمایت شده است؟

به دنبال درگیری‌های بین‌المللی یا تنش‌های درونی، مردم در مواردی برای در امان ماندن از تجاوزات فاحش و گسترده به حقوق‌شان یا صرفاً برای نجات جان خود به مهاجرت مجبور می‌شوند. اگر آنان در درون مرزهای کشورهای خودشان جابه‌جا شوند، مهاجران داخلی نام می‌گیرند. کسانی که کشورشان را ترک می‌کنند، پناهنده نامیده می‌شوند. نقل مکان‌های مهاجران که غالباً معلول نقض حقوق بشر و درگیری‌های مسلحانه‌اند در بیشتر موارد با خشک‌سالی، قحطی و در بعضی مناطق با آشوب و بی‌نظمی کامل تشدید می‌شوند.

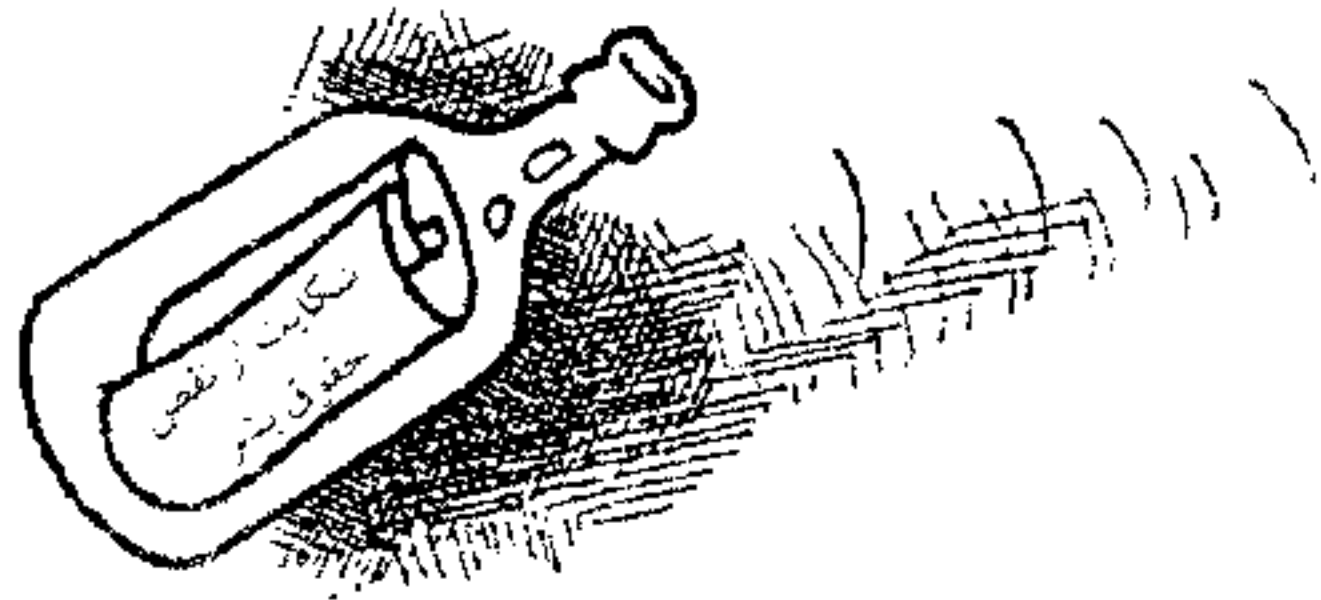
بر اساس مفاد معاهده‌ی وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱) و مقاوله‌نامه‌ی آن (۱۹۶۶)^{۴۰}، اصطلاح «پناهنده» به هر شخصی اطلاق می‌گردد که «به علت ترس موجه از این که به سبب نژاد، دین، ملیت یا تعلق به گروه

اجتماعی معینی یا به سبب عقاید سیاسی‌اش تحت شکنجه، تعقیب و آزار قرار گیرد» کشور خود را ترک کرده است (ماده‌ی اول معاهده‌ی وضعیت پناهندگان). برای تضمین امنیت پناهندگان دو عامل اهمیت بسیار دارند: اعطای پناهندگی و رعایت اصل منع اخراج یا بازگردانی اجباری. به عبارت دیگر هیچ‌کسی در مرز یا پس از ورود به یک کشور دیگر نباید به کشوری اخراج یا بازگردانده شود که در آن زندگی یا آزادی‌اش به علل پیش‌گفته ممکن است در خطر باشد.

۴۶. حمایت از پناهندگان چگونه صورت می‌گیرد؟

کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد (HCR) مسئول حمایت بین‌المللی از پناهندگان است و برای راه‌حل‌های پایدار مشکلات آنان، به دولت‌ها یاری می‌رساند که بازگشت داوطلبانه‌ی پناهندگان را به کشورهای خودشان یا ادغام آنان را در جوامع ملی جدید تسهیل کنند. در ۱۹۵۱ به هنگام تأسیس این کمیساریای عالی، تعداد پناهندگان به حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شد. در پایان ۱۹۹۴، ۴۵ میلیون پناهنده و مهاجر داخلی در پنج قاره‌ی دنیا وجود داشته که ۱۸ تا ۲۰ میلیون نفر از آنان با تعریف «پناهنده» منطبق بوده و در چارچوب مأموریت کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد قرار می‌گرفته‌اند.^{۴۱} به علاوه به سبب کاردانی‌های تخصصی این کمیساریا در فراهم آوردن امدادها و حمایت‌های بشردوستانه، از آن تقاضای روزافزون می‌شود که به بیش از ۲۵ میلیون مهاجر داخلی نیز یاری برساند.

اگرچه حقوق پناهندگان به‌طور مستقیم شامل حال مهاجران داخلی نمی‌شود، کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، بر مبنای قواعد عام حقوق بشر و حقوق انسان‌دوستانه، در صورت لزوم به یاری مهاجران



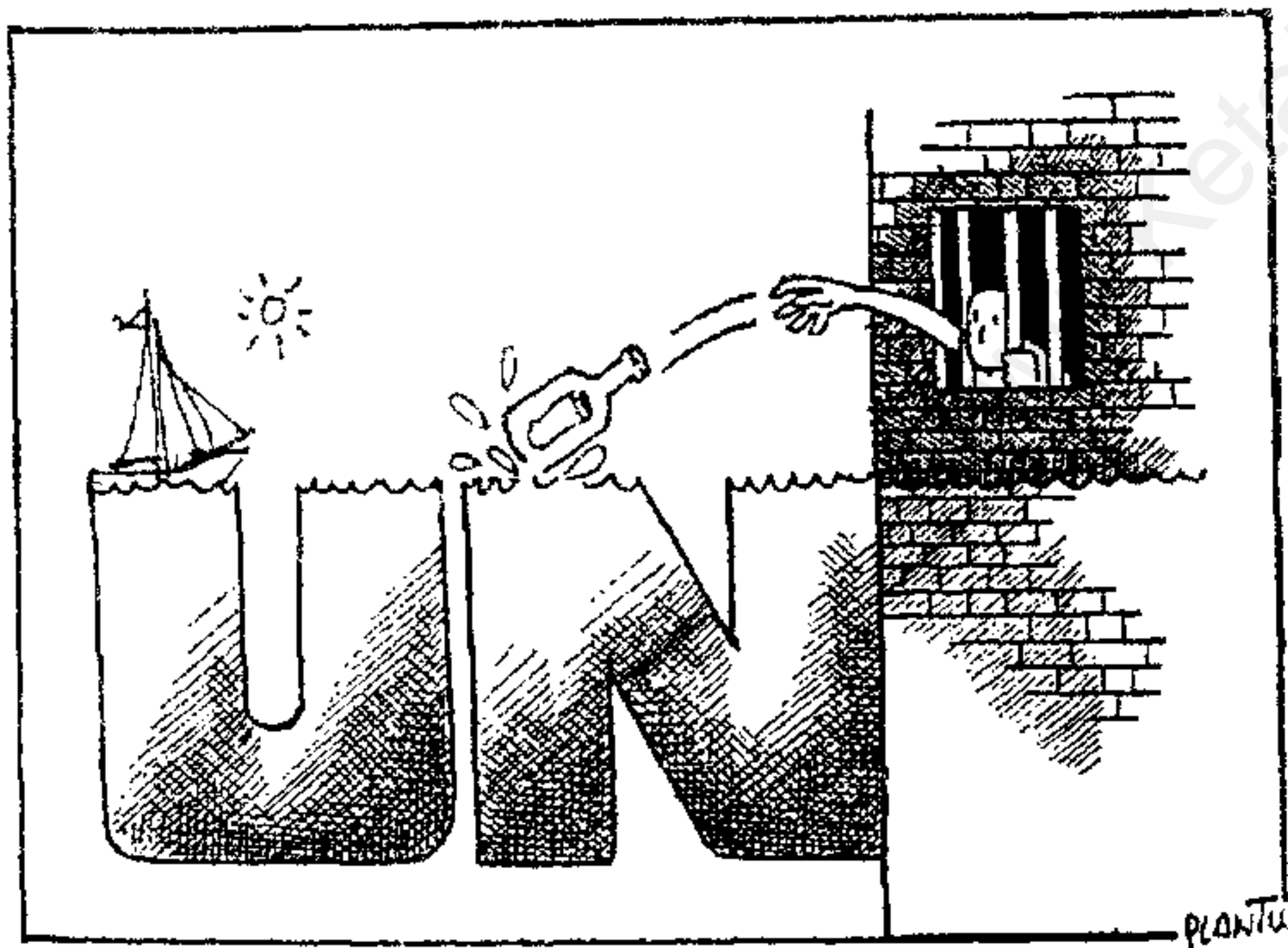
می‌شتابد و از آنان همانند پناهندگان حمایت می‌کند.^{۴۲} این کمیساریا به ریشه‌های درگیری‌ها توجه روزافزون می‌کند و بر ضرورت نظام اخطار سریع و راهبردهای پیش‌گیرانه برای اجتناب از حرکت انبوه پناهندگان یا مهاجران داخلی و حل مسائل آنان تأکید می‌ورزد. به نظر کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، هر راهبرد پیش‌گیرانه‌ای باید بر پایه‌ی رویکردی جامع و فراگیر بنا شود که هم کمک به توسعه و اقدامات انسان‌دوستانه را در برگیرد و هم حمایت از حقوق بشر را.^{۴۳}

۴۷. آیا برای حمایت از پناهندگان، نظام‌های منطقه‌ای وجود دارد؟

کامل‌ترین و مهم‌ترین سند در این مورد، معاهده‌ی سازمان وحدت آفریقا در باره‌ی جنبه‌های ویژه‌ی مسائل پناهندگان در آفریقا است که در ۱۹۶۹ به تصویب سازمان وحدت آفریقا رسیده (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۷۳) و در ۱۹۷۴ به اجرا گذاشته شده است.^{۴۴} در این معاهده تعریفی گسترده از واژه‌ی «پناهنده» آمده که هر شخصی را دربر می‌گیرد که به علل مربوط به تهاجم یا اشغال بیگانگان یا آشوب‌های داخلی و درونی، مجبور است به کشوری غیر از کشور زادگاه یا متبوع خود پناهنده شود.

۴۸. اگر شخصی قربانی نقض حقوق بشر شود، می‌تواند به سازمان ملل متحد شکایت کند؟

شمار افراد یا سازمان‌هایی که از نقض حقوق بشر به سازمان ملل متحد شکایت کرده‌اند، به صدها هزار بالغ می‌شود. پس از ایجاد نهادی ویژه



برای این کار (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۴۹) تعداد شکایت‌ها افزایش یافته و به عنوان مثال فقط در سال ۱۹۹۳ به حدود ۲۸۰/۰۰۰ رسیده است. برای پی‌گیری این شکایت‌ها که همیشه هم به موارد فردی مربوط نمی‌شوند، رویه‌های متعددی در پیش گرفته شده است. با این همه رویه‌های دیگری نیز هستند که بررسی موارد فردی را در کمیته‌ی حقوق بشر (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۲۶)، کمیته‌ی ضد شکنجه (نگاه کنید به بخش دوم کتاب، ماده‌ی ۵)، کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی (CERD، نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۲۶) و گروه کار در مورد بازداشت و حبس خودسرانه ممکن می‌سازند.

۴۹. به شکایت‌ها چگونه رسیدگی می‌شود؟

در درون سازمان ملل متحد، نهاد اصلی مسئول مسائل حقوق بشر و به ویژه شکایت‌های مربوط به نقض این حقوق، کمیته‌ی حقوق بشر است (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۷).

به هنگام تأسیس این کمیسیون هیچ مقرراتی پیش‌بینی نشده بود که افراد یا گروه‌ها بتوانند با استفاده از آن‌ها پس از شکایت از نقض حقوق بشر، خواستار اصلاح امور شوند؛ کمیسیون نیز همواره تأکید می‌ورزید که «در مورد شکایت‌های مربوط به حقوق بشر، صلاحیت هیچ اقدامی را ندارد». با این همه به تدریج رویه‌ای شکل گرفت که تهیه و تنظیم دو نوع فهرست را از میان اطلاعیه‌های مربوط به شکایت‌های رسیده ممکن می‌ساخت (این ساخت کار در سال ۱۹۵۹ طی قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۷۲۸۴ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی رسید): یک فهرست غیرمحرمانه درباره‌ی اصول اجرایی حمایت از حقوق بشر و ارتقای آن‌ها، و فهرستی محرمانه از شکایت برضد دولت‌ها.

در ۱۹۷۰ گامی تازه برداشته شد و شورای اقتصادی و اجتماعی در قطع‌نامه‌ی (XLVIII) ۱۵۰۳ نوعی رویه‌ی محرمانه و پیچیده را برای بررسی شکایت‌هایی تعیین کرد که نمایان‌گر «مجموعه‌ای از تجاوزات آشکار و منظم به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هستند، تجاوزاتی که در مورد آن‌ها دلایل و مدارک موثقی وجود دارد». برای نخستین بار نه فقط قربانیان تجاوزات به حقوق بشر، بلکه تمام اشخاص، گروه‌ها یا سازمان‌های غیرحکومتی قابل اعتمادی که شناخت مستقیم از این تجاوزات داشتند، می‌توانستند دلایل و مدارک را ارائه کنند. شکایت‌ها در وهله‌ی اول در گروه کاری کمیسیون فرعی پیکار با اقدامات تبعیض آمیز و حمایت از اقلیت‌ها (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۳۴) و سپس در گروه کاری کمیسیون حقوق بشر بررسی می‌شوند. کمیسیون حقوق بشر می‌تواند تصمیم بگیرد که به بررسی عمیق‌تر اوضاع پردازد، یا با رضایت دولت مربوط، کمیته‌ای اختصاصی برای تحقیق درباره‌ی وضعیتی معین برگزیند و در هر مورد گزارش تدوین شده را به شورای اقتصادی و اجتماعی تحویل دهد. کمیسیون تاکنون هیچ‌گاه یکی از این دو رویه را به صورت علنی به کار نبسته است. با این همه بر کسی پوشیده نیست که ساخت‌کاری غیرعلنی را بارها فعال ساخته که در فواصل اجلاس‌های همین کمیسیون تشکیل جلسه می‌دهد و کارشناسان مستقلی را برای بررسی وضعیت و ارائه‌ی گزارش به کمیسیون برمی‌گزیند. کمیسیون می‌تواند به ابتکار خود، در موردی معین از قاعده‌ی مخفی بودن امور چشم‌پوشی کند و برای تحقیقاتش ساخت‌کاری علنی را به وجود آورد.

کمیسیون از مارس ۱۹۷۸ هر سال فهرست کشورهایایی را که در اجلاس سالیانه‌اش به موجب رویه‌ی پیش‌بینی شده در قطع‌نامه‌ی

۱۵۰۳ موضوع بررسی قرار گرفته‌اند. اعلام می‌کنند^{۴۵}. موارد نفیص حقوق بشر در کشورهایی که بدین ترتیب مشخص شده‌اند، ممکن است در ردیف دیگر نکات در دستور کار مباحثه‌ی عمومی و علنی قرار گیرند. البته کارایی راستین این رویه تا حد زیادی در گرو همکاری داوطلبانه‌ی دولت‌های مورد نظر است. چنین رویه‌ای در هر حال نقشی مهم ایفا می‌کند، زیرا تمام حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و پیمان‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد و در مورد همه‌ی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد نیز به کار بسته می‌شود. به علاوه مکمل رویه‌های دیگری است که به حقوق خاصی مربوط می‌شوند و فقط در مورد دولت‌های عضو قرار داد مورد نظر اعمال شدنی هستند.

در مورد رویه‌های علنی، چرخش اساسی هنگامی روی داد که در ۱۹۶۷، شورای اقتصادی و اجتماعی قطع‌نامه‌ی ۱۲۳۵ را به تصویب رساند. براساس این قطع‌نامه، کمیسیون حقوق بشر باید به «بررسی عمیق وضعیت‌هایی بپردازد که نمایش‌گر تجاوزات مداوم و منظم به حقوق بشر هستند (به عنوان مثال سیاست جدایی نژادی یا آپارتاید)». این کمیسیون به علاوه وظیفه دارد که گزارش و توصیه‌هایی در این باره به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه کند. پس از تصویب این قطع‌نامه چندین بررسی حقیقت‌یابی صورت گرفته و در ۱۹۶۷، یک گروه کاری در مورد آفریقای جنوبی ایجاد شده است. سپس کمیسیون یک گروه کاری را برای بررسی موارد اعلام شده‌ی نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی عربی برگزیده و مدتی بعد یک گروه کاری اختصاصی را درباره‌ی شیلی تأسیس کرده که مأموریتش در ۱۹۷۹ به پایان رسیده است. اراده‌ی سیاسی و رضایت عمومی‌ای که حاصل این وضعیت‌ها بوده، کمیسیون حقوق بشر را تشویق کرده‌اند که به بررسی

علنی تمام وضعیت‌هایی ادامه دهد که در هر گوشه‌ای از دنیا، تجاوز به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را آشکار می‌سازند.

۵۰. کمیسیون حقوق بشر برای رویارویی با نقض حقوق بشر چه تدابیر دیگری در پیش گرفته است؟

کمیسیون حقوق بشر به تدریج و به اقتضای اوضاع و احوال، مجموعه‌ای از ساخت‌کارهای نظارت را تأسیس کرده که مشروعیت خود را از هیچ سند خاصی درباره‌ی حقوق بشر نمی‌گیرند. هر یک از این ساخت‌کارها که مأموریتی بسیار مشخص را دنبال می‌کنند. با قطع‌نامه‌ای از خود کمیسیون ایجاد می‌شود که به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی رسیده است. هدف اساسی این ساخت‌کارها که در مجموع به «رویه‌های خاص» موسوم‌اند، تضمین رعایت واقعی اصول و قواعد پذیرفته‌ی حقوق بشر توسط دولت‌ها است. آن‌ها به دو دسته تقسیم می‌گردند: رویه‌هایی که به موضوع خاصی از مسائل حقوق بشر مربوط می‌شوند و به بررسی آن در سرتاسر دنیا می‌پردازند؛ گروه دوم رویه‌هایی هستند که مجموعه‌ی وضعیت حقوق بشر را در کشوری خاص بررسی می‌کنند^{۴۶}.

این ساخت‌کارها یا گزارش‌گران ویژه را در بر می‌گیرند یا گروه‌های کاری را. اعضای گروه‌های کاری و گزارش‌گران ویژه، کارشناسان مستقل هستند و نماینده‌ی دولت‌های خود محسوب نمی‌شوند. علاوه بر موارد پیش گفته باید از مأموریت‌های دبیرکل برای تهیه‌ی گزارش درباره‌ی انواع موضوعات خاص نام برد. این مأموریت‌ها ممکن است موضوعی باشند یا به وضعیتی معین (مأموریت‌های کشوری) مربوط شوند.

۵۱. رویه‌های موضوعی کدام‌ها هستند؟

اولین رویه‌ی موضوعی که در ۱۹۸۰ مقرر شده، گروه کار درباره‌ی ناپدیدشدن‌های اجباری یا تحمیلی بوده است. وظیفه‌ی اصلی آن، ایفای نقش میانجی بین خانواده‌های اشخاص ناپدید شده و دولت‌ها برای یافتن محل نگهداری اشخاص ناپدید شده است. این گروه کاری برای انجام دادن وظیفه‌ی خود، موارد ناپدید شدن را بررسی می‌کند، اطلاعاتی را از منابع حکومتی و غیرحکومتی دریافت می‌دارد، این موارد را به دولت‌های مربوط ابلاغ می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که تحقیقات لازم را انجام دهند؛ سپس پاسخ‌های دولت‌ها را به اطلاع خانواده‌های ناپدیدشدگان می‌رساند، نتایج تحقیقات را جویا می‌شود، ادعاهای عام را در مورد این یا آن کشور بررسی می‌کند و هنگامی که اعضای خانواده‌ی فرد ناپدید شده یا کسانی که با این گروه کار همکاری کرده‌اند، قربانی تهدیدها یا کینه‌توزی و انتقام‌گیری می‌شوند، خواستار دخالت دولت‌ها می‌گردد. این گروه کار نتیجه‌گیری‌ها و توصیه‌هایی تدوین می‌کند که آن‌ها را در گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر می‌گنجاند.^{۴۷}

مجمع عمومی ملل متحد در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ اعلامیه‌ی حمایت از همه‌ی اشخاص در برابر ناپدید شدن‌های تحمیلی را تصویب کرده است. در این اعلامیه آمده است که اجرای منظم ناپدید ساختن‌های اجباری در ردیف جنایت برضد نوع بشر و ناقض قواعدی است که حق شناسایی شخصیت حقوقی هر شخص، حق آزادی و امنیت افراد و حق در امان ماندن از شکنجه را تضمین می‌کنند. چنین اقدامی حق حیات را نیز نقض می‌کند یا سخت به خطر می‌اندازد؛ دولت‌ها باید برای منع و محو اقداماتی که به ناپدید شدن‌های تحمیلی می‌انجامند،

تدابیر کارسازی در پیش گیرند.

گروه کار درباره‌ی بازداشت و حبس خودسرانه که در ۱۹۹۱ ایجاد شده، درباره‌ی موارد بازداشت و حبس تحمیلی‌ای تحقیق می‌کند که خودسرانه‌اند یا با قواعد بین‌المللی‌ای که به تصویب دولت موردنظر رسیده، به هیچ وجه سازگاری ندارند. گزارش‌گر ویژه‌ی اعدام‌های غیرقانونی، فوری یا خودسرانه (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۳) از سال ۱۹۸۲ مشغول به کار است و گزارش‌گر ویژه‌ی شکنجه (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۵) نیز از ۱۹۸۵ فعالیت می‌کند. این گزارش‌گران ویژه، همراه با گروه کار درباره‌ی ناپدید شدن‌های اجباری یا تحمیلی، تدابیری اضطراری اتخاذ می‌کنند که به یاری آن‌ها می‌توانند در موقعیت‌های بسیار نگران‌کننده واکنش فوری نشان دهند.

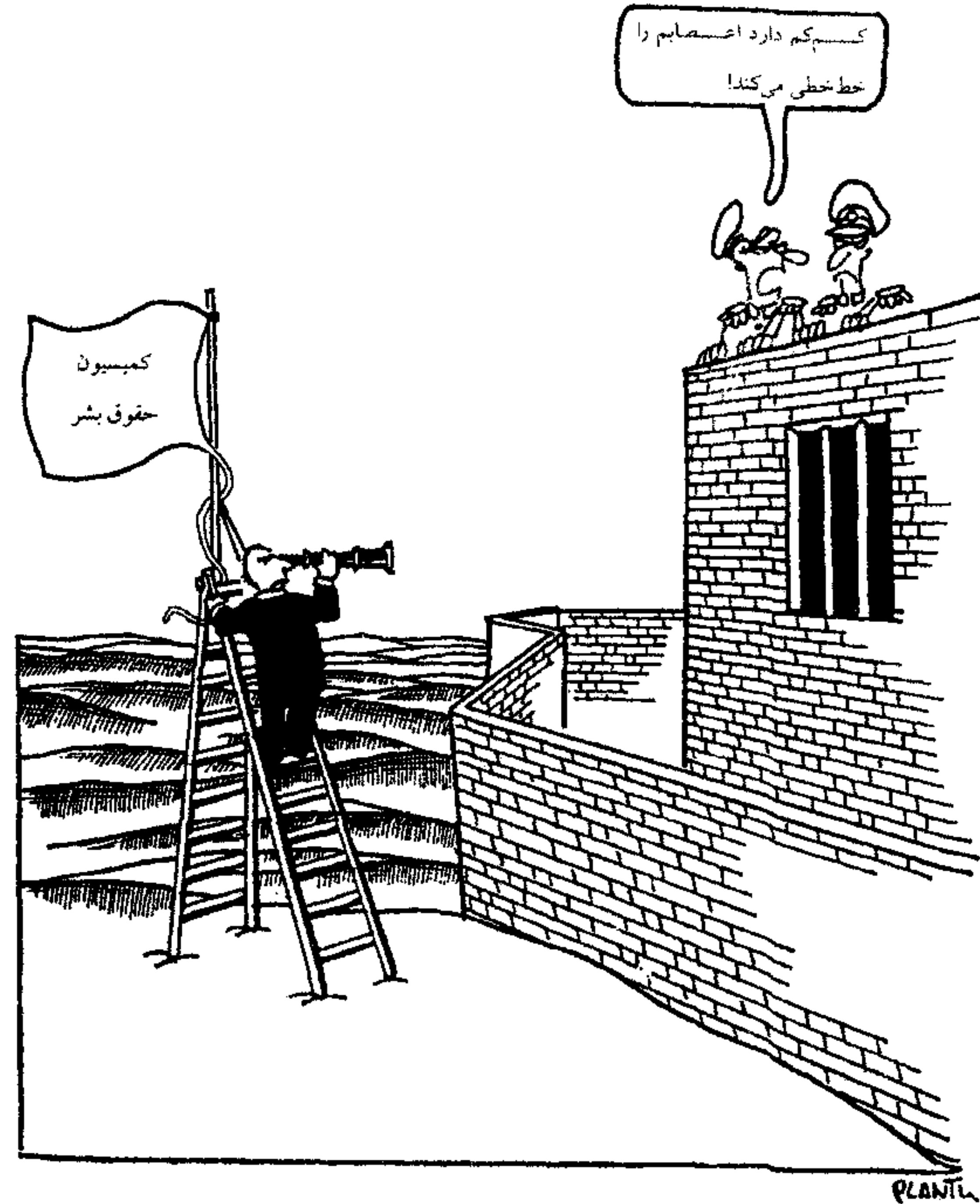
از میان دیگر «رویه‌های ویژه» باید به گزارش‌گران ویژه‌ای اشاره کنیم که مسائل زیر را بررسی می‌کنند: اشخاصی که در کشورهای خودشان آواره شده‌اند (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۱۴)، خرید و فروش و روسپی‌گری کودکان و تهیه‌ی صور قبیحه از آنان (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۲۵)، استقلال و بی‌طرفی قوه‌ی قضائیه، اعضای هیأت منصفه و کارشناسان و استقلال و کلا (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۱۰)، رفع خشونت بر ضد زنان (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۳۲)، شکل‌های معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانگی‌ستیزی (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۲)، تعصب و دگرستیزی دینی (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۱۸)، آزادی اندیشه و بیان (نگاه کنید به بخش دوم، ماده‌ی ۱۹) و به کارگیری مزدوران برای جلوگیری از اعمال حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت خودشان.

۵۲. آیا وضعیت کشوری معین را می‌توان مورد بررسی بسیار دقیق قرار داد؟

در ۱۹۹۴، وضعیت هشت کشور^{۲۸} مورد بررسی دقیق گزارش‌گران ویژه قرار گرفته که به مجمع عمومی ملل متحد و به کمیسیون حقوق بشر گزارش داده‌اند. به علاوه، وضعیت بعضی از کشورها را گزارش‌گران ویژه‌ای بررسی کرده‌اند. فقط به کمیسیون حقوق بشر گزارش داده‌اند^{۲۹}.

۵۳. هدف اصلی این رویه‌های ویژه چیست؟

همه‌ی رویه‌های ویژه برای مطالعه یا بررسی وضعیتی مقرر شده‌اند که در آن، به موجب قواعد بین‌المللی و لازم‌الاجرای حقوق بشر، نقض این حقوق صورت گرفته است. گروه‌های کار و گزارش‌گران ویژه، برای انجام دادن مأموریت‌شان می‌توانند تمام اطلاعات لازم را از منابع دولتی و غیردولتی، به ویژه از خود قربانیان نقض حقوق بشر، بی‌غرضانه خواستار شوند و دریافت کنند. آن‌ها می‌توانند درباره‌ی این اطلاعات از حکومت‌ها توضیح و تفسیر بخواهند و با رضایت دولت موردنظر از کشورش بازدید کنند. هدف عام آن‌ها پرداختن به گفت‌وگوی سازنده با حکومت‌ها و نشان دادن راه‌های تقویت حمایت از حقوق بشر است. مأموریت گزارش‌گران ویژه و گروه‌های کار، تجدید شونده است؛ گزارش‌های آن‌ها، نتیجه‌گیری‌های عام و توصیه‌های نشان‌دهنده‌ی و حمایت و کیفیت وضعیت‌ها و نقض حقوق بشر را در قلمرو مأموریت‌شان در بر می‌گیرند. به تازگی در بعضی از مأموریت‌های ویژه، امکان داشتن نمایندگان و خبرنگاران محلی پیش‌بینی شده است.



۵۴. رویه‌های ویژه چه اهمیتی دارند؟

شکل‌گیری رویه‌های ویژه حاصل تحولی در فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر است: برای حمایت از این حقوق، دیگر به تدوین قواعد بستنده نمی‌گردد و از این پس به اجرای واقعی آن‌ها توجه می‌شود. بدین ترتیب این رویه‌های ویژه به ایجاد مجموعه‌ای از ساخت‌کارهای حمایت از حقوق بشر یاری رسانده‌اند.

رویه ویژه در مورد هر کشوری که به کار بسته شود، نشان‌دهنده‌ی تجاوزات و خیم به حقوق بشر است و دولت‌ها با تمام قوا می‌کوشند که اعمال و رفتارشان در معرض این‌گونه افشاگری‌ها و نظارت‌های علنی و عمومی قرار نگیرد. خود بررسی علنی رفتار و اعمال دولت‌ها و نحوه‌ی بدرفتاری آن‌ها با شهروندان نشان ممکن است اقدامی حمایت‌آمیز باشد، از بدرفتاری‌های تازه پیش‌گیری کند و زندگی عده‌ای را نجات دهد. رویه‌های اقدام عاجل و اضطراری گاهی به پیش‌گیری از تجاوزات جدید می‌انجامند. فشار بین‌المللی مداوم و نكوهش و تقبیح آشکار و مکرر ممکن است دولت‌ها را به اصلاح و بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورهایشان وادار سازد.

در تحلیل نهایی موفقیت در این زمینه به نحوه‌ی واکنش و حساسیت دولت‌ها در برابر تداوم نظارت علنی بر رفتار و اعمال‌شان و انتقادهای مکرر کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی بستگی دارد.

۵۵. چه نهادهای تازه‌ای در عرصه‌ی حقوق بشر ایجاد شده است؟

اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین (۱۹۹۳) ضرورت انطباق ساخت‌کارهای سازمان ملل برای حفظ و ارتقای حقوق بشر را با نیازهای کنونی و آتی

به رسمیت شناخته و ایجاد کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد را توصیه کرده‌اند^{۵۱}. این توصیه در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ عملی شد و مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آرا قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۸/۱۴۱ را در مورد تعیین مقام کمیسر عالی برای حفظ و ارتقای تمام حقوق بشر، تصویب کرد. در ۵ آوریل ۱۹۹۴ اولین کمیسر عالی حقوق بشر کار خود را آغاز کرد^{۵۲}.

کمیسیر عالی حقوق بشر که دوره‌ی مأموریت چهارساله‌ی او ممکن است یک بار تجدید شود، در چارچوب منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی مربوط به ارتقای رعایت جهان‌گستر و مؤثر تمام حقوق بشر انجام وظیفه می‌کند. راهنمای فعالیت‌های او باید این اصل باشد که «تمام مواد حقوق بشر - اعم از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - جهان‌گستر و تقسیم‌ناپذیراند و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند» و حفظ و ارتقای حقوق بشر، دل‌مشغولی و مسأله‌ی مشروع جامعه‌ی بین‌المللی است.

۵۶. کمیسیر عالی حقوق بشر چه مأموریتی دارد؟

کمیسیر عالی حقوق بشر مقام بلندپایه‌ی ملل متحد است که مسئولیت اصلی فعالیت‌های سازمان ملل در عرصه‌ی حقوق بشر را بر عهده دارد. مأموریت او حفظ و ارتقای بهره‌مندی مؤثر از تمام حقوق بشر، از جمله و به ویژه حق توسعه است.

از میان وظایف کمیسیر عالی می‌توان موارد زیر را برشمرد: هماهنگ ساختن فعالیت‌های مربوط به حفظ و ارتقای حقوق بشر در مجموعه‌ی سازمان ملل متحد، عرضه‌ی خدمات مشاوره‌ای و

کمک‌های فنی و مالی از رهگذر مرکز حقوق بشر، بهسازی، افزایش انطباق‌پذیری، تقویت و ساده‌سازی ساختارهای ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر با هدف بهبود کارایی و بازدهی آن‌ها؛ پرداختن به گفت‌وگو با تمام حکومت‌ها برای تضمین رعایت همه‌ی حقوق بشر و ایفای نقشی فعال در پیش‌گیری از تداوم نقض حقوق بشر در سرتاسر کیتی^{۵۳}.

۵۷. مرکز حقوق بشر ملل متحد چه مسئولیت‌هایی دارد؟

مرکز حقوق بشر ملل متحد کانون فعالیت‌های سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر است. این مرکز در ۱۹۸۲ در پی تصویب قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۳۷/۴۳۷ ایجاد شده که نام بخش حقوق بشر را به مرکز حقوق بشر تغییر داده است. این مرکز در ژنو قرار دارد و تحت ریاست کمیسر عالی حقوق بشر که معاون دبیرکل است، فعالیت می‌کند؛ دفتر رابط این مرکز نیز در نیویورک است.

وظیفه‌ی اصلی این مرکز یاری رساندن به نهادهای ملل متحد در حفظ و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، پیمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و نیز قطع‌نامه‌های مجمع عمومی است.

از زمان ایجاد کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد (نگاه کنید به پرسش شماره‌ی ۵۵) یکی از وظایف این کمیسر نظارت بر مرکز حقوق بشر برای هماهنگ‌سازی حفظ و ارتقای فعالیت‌های حقوق بشری در مجموعه‌ی سازمان ملل متحد است.

این مرکز خدمات اداری و دبیرخانه‌ای و خدمات پایه‌ای را برای نهادهای حقوق بشری ملل متحد انجام می‌دهد که از میان آن‌ها

نهادهای زیر را می‌توان برشمرد: مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون فرعی پیکار با اقدامات تبعیض‌آمیز و حمایت از اقلیت‌ها، کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی (CERD)، کمیته‌ی حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و کمیته‌ی ضد شکنجه.

این مرکز همچنین مطالعات و پژوهش‌هایی در مورد حقوق بشر انجام می‌دهد و گزارش‌هایی درباره‌ی اجرای این حقوق تهیه می‌کند. به علاوه رابطه با سازمان‌های غیرحکومتی و دیگر سازمان‌های فعال در زمینه‌ی حقوق بشر و نیز رسانه‌ها را هماهنگ می‌سازد و کار بخش اطلاعات و اخبار و انتشار آثار مربوط به حقوق بشر را نیز انجام می‌دهد.

در تعدادی از قطع‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد بر اهمیت فعالیت‌های مرکز حقوق بشر و ضرورت فراهم آوردن منابع کافی - انسانی و به‌ویژه مالی - برای انجام دادن کارهای آن تأکید شده است.

۵۸. سازمان ملل متحد برای تشویق حفظ و ارتقای حقوق بشر، چه کمک عملی‌ای در اختیار دولت‌ها می‌گذارد؟

در ۱۹۵۸، مجمع عمومی برنامه‌ی خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌ی حقوق بشر را وضع کرد که هماهنگ ساختن آن بر عهده‌ی مرکز حقوق بشر ملل متحد قرار گرفت. وظایف اصلی این برنامه، عرضه‌ی خدمات کارشناسی و مشاوره‌ای به دولت‌ها به درخواست خود آن‌ها، اعطای بورس، برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی در مورد حقوق بشر است. در ۱۹۷۸ برای تأمین نیازهای مالی این برنامه که گسترش و اهمیت فزاینده‌ی می‌یابد، صندوق کمک‌های داوطلبانه برای

همکاری فنی در این زمینه تأسیس شد.

گسترش این برنامه را می‌توان با دگرگونی‌های سیاسی‌ای توضیح داد که پایان جنگ سرد در آخرین سال‌های دهه‌ی ۸۰ راه‌شان را هموار ساخته بود. دولت‌های جدید و دموکراسی‌های نوپای آمریکای لاتین، اروپای شرقی و آفریقا برای تقویت نهادهای قانونی و مدنی تازه‌کارشان و برای انجام تعهدات‌شان در مورد تهیه‌ی گزارش‌های مندرج در اسناد حقوق بشری که به تازگی امضا کرده بودند، به کمک نیاز داشتند.

از آن پس برای هر کشوری برنامه‌ای فراگیر وجود دارد. مرکز حقوق بشر بر مبنای ارزیابی نیازهای هر کشور در این زمینه، برنامه‌ی جامع کمک فنی را تدوین می‌کند. هدف این برنامه تقویت چارچوب قانونی و نهادی لازم برای حفظ و ارتقای حقوق بشر و اجرای دموکراسی قانونمند است.

در چارچوب چنین برنامه‌هایی، برای کمک به ایجاد قوانین و نهادهای ملی‌ای که قواعد حقوق بشر را در بر می‌گیرند و استقلال قوه‌ی قضائیه را پیش‌بینی می‌کنند، کارشناسانی به کشورهای مختلف اعزام می‌شوند. مرکز حقوق بشر، درباره‌ی ساخت‌کارهای مناسب برای تضمین نظم دموکراتیک نظر و رهنمود می‌دهد و می‌تواند به برگزاری انتخابات یاری رساند؛ این مرکز آموزش قضات، مجریان قانون، مقامات عمومی و نیروهای مسلح را با تأکید خاص بر قواعد بین‌المللی حقوق بشر تضمین می‌کند.

از دیگر اجزای این برنامه می‌توان به آموزش حقوق بشر و تقویت نقش رسانه‌ها در ترویج این حقوق اشاره کرد. یک بخش مهم دیگر به حل درگیری‌ها مربوط می‌شود که محور آن را پیش‌گیری از درگیری‌ها

و روش‌های حل مسالمت‌آمیز آن‌ها تشکیل می‌دهد. از میان این روش‌ها می‌توان از آموزش نیروهای پاسدار صلح ملل متحد و ایجاد نمایندگی‌های محلی مرکز حقوق بشر نام برد.^{۵۴} کمیسر عالی حقوق بشر برای همکاری فنی اهمیت بسیاری قائل می‌شود.

این برنامه نقش محوری سازمان‌های غیرحکومتی دفاع از حقوق بشر و سایر گروه‌های اجتماعی را در ساخت جامعه‌ی مدنی به رسمیت می‌شناسد و برای پیشبرد برنامه‌های‌شان به آن‌ها کمک مستقیم می‌کند.

۵۹. کدام یک از نهادهای ملل متحد، در عرصه‌ی صلاحیت خودشان

رویه‌های ویژه‌ای برای حمایت از حقوق بشر پیش‌بینی کرده‌اند؟

چنین رویه‌هایی در دو نهاد ملل متحد وجود دارند: سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و سازمان بین‌المللی کار (OIT).

۶۰. در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) چه

ساخت‌کارهایی وجود دارند؟

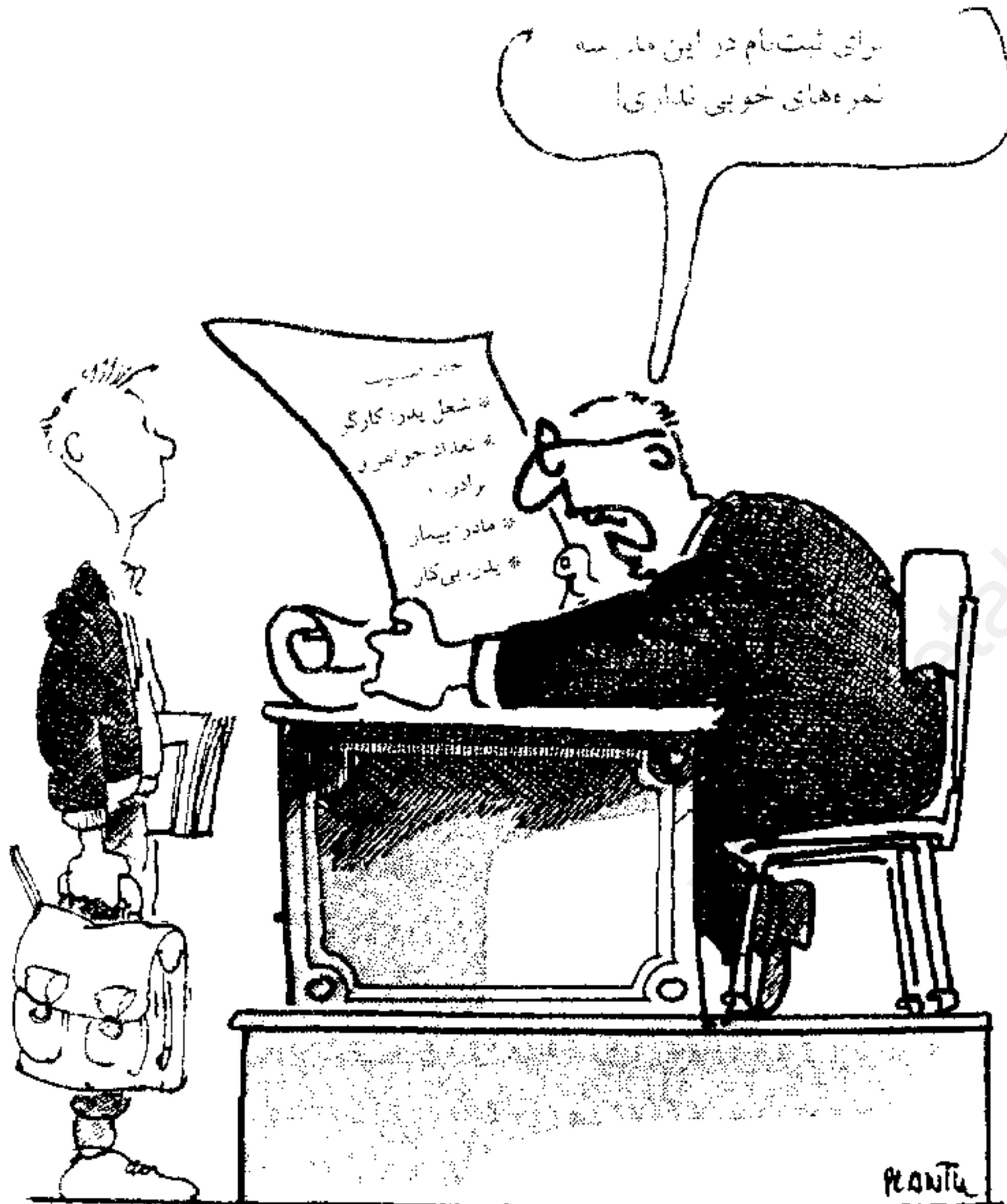
حوزه‌ی صلاحیت یونسکو حقوق مربوط به آموزش و پرورش، علم (از جمله علوم اجتماعی)، فرهنگ و ارتباطات و نیز آزادی عقیده و بیان و آزادی مطبوعات را در بر می‌گیرد.

بخشی از مقرراتی که یونسکو به موجب آن‌ها می‌تواند تدابیری برای ارتقا و اجرای مؤثر حقوق بشر در پیش‌گیرد در معاهده‌ها و توصیه‌های تصویبی آن آمده است. روش به کار رفته در این عرصه، بر تهیه‌ی گزارش و نظام بررسی شکایات‌ها مبتنی است.

معاهده‌ی یونسکو درباره‌ی پیکار با تبعیض آموزشی در ۱۹۶۲ به اجرا گذاشته شده و در حال حاضر به امضای بیش از هشتاد دولت رسیده است.^{۵۵} دولت‌ها به موجب این معاهده به اجرای سیاستی ملی متعهد می‌شوند که به ارتقای برابری امکانات و برخوردها در عرصه‌ی آموزش یاری رسانند. آن‌ها همچنین متعهد می‌شوند که در صورت لزوم قوانینی بر ضد هرگونه تبعیض در پذیرش شاگردان و رفتار با آنان در مؤسسات آموزشی وضع کنند و اتباع بیگانه نیز به امکانات آموزشی برابر با سایر افراد دسترسی داشته باشند. تدابیر لازم برای تضمین اجرای معاهده بر گزارش‌های دولت‌های عضو مبتنی هستند که کمیته‌ی ویژه‌ی معاهدات و توصیه‌ها به بررسی آن‌ها می‌پردازد. گزارش و ملاحظات این کمیته به کنفرانس عمومی یونسکو ارائه می‌شود. سپس یگانه اقدامی که کنفرانس عمومی انجام می‌دهد، تصویب قطع‌نامه‌هایی در مورد مسائل مطرح شده است.

برای تقویت و تکمیل این نظام، به موجب مقاله‌نامه‌ی مربوط به همین معاهده، کمیسیون آشتی و میانجی‌گری ایجاد شده است.^{۵۶} این کمیسیون وظیفه دارد که شکایت‌های دولت‌های عضو را از یکدیگر در مورد اجرا نکردن مفاد معاهده بررسی کند و راه‌حلی دوستانه بیابد یا در غیر این صورت توصیه‌ای بدهد که امکان نظرخواهی از دیوان داور بین‌المللی را فراهم آورد. این رویه تاکنون فقط یک بار به کار بسته شده است.

رویه‌های دیگری نیز برای اجرای سایر اسناد یونسکو در عرصه‌هایی مانند وضعیت آموزش‌گران وجود دارند. کمیته‌ی مشترک کارشناسان سازمان بین‌المللی کار و یونسکو درباره‌ی اجرای توصیه‌ی مربوط به وضعیت آموزش‌گران (۱۹۶۶)، در پی تصمیم شورای



اجرائی یونسکو و شورای اداری دفتر بین‌المللی کار (BIT) در ۱۹۶۸ ایجاد شده است. این کمیته از ۱۲ کارشناس مستقل تشکیل شده که نیمی از آنان برگزیده‌ی دفتر بین‌المللی کار و نیم دیگر برگزیده‌ی یونسکو هستند. در حال حاضر این موضوع مورد بحث است که آیا بهتر نیست توصیه‌ی مربوط به وضعیت آموزش‌گران با تغییرات روز هماهنگ گردد و بعضی از نکات آن در معاهده‌ای احتمالی درباره‌ی وضعیت آموزش‌گران گنجانده شود؟

یونسکو برای حفظ اموال فرهنگی نیز به فعالیت‌های گسترده‌ای دست زده است، زیرا این عرصه پیوندی تنگاتنگ با عرصه‌ی حقوق فرهنگی دارد. در این مورد باید به سه معاهده‌ی یونسکو اشاره کنیم: [۱] معاهده‌ی حمایت از اموال فرهنگی در موقع درگیری مسلحانه («معاهده‌ی لاهه») همراه با مقررات اجرایی این معاهده، مقاله‌نامه‌ی مربوط به آن و قطع‌نامه‌های کنفرانس (۱۹۵۴)؛ [۲] معاهده‌ی راه‌های منع و جلوگیری از واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی (۱۹۷۰)؛ [۳] معاهده‌ی حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲).

۶۱. آیا یونسکو می‌تواند شکایت‌های مربوط به نقض حقوق بشر را دریافت کند؟

یونسکو برای رسیدگی به شکایت‌های قربانیان یا اشخاص، گروه‌ها یا سازمان‌های غیرحکومتی‌ای که اطلاع موثقی از نقض حقوق بشر در حوزه‌های صلاحیت این سازمان - یعنی آموزش و پرورش، علم، فرهنگ و ارتباطات - دارند، رویه‌ی خاصی مقرر کرده است. شاکیان در ابتدا باید بپذیرند که نام‌شان اعلام شود. سپس شکایت‌ها به اطلاع

حکومت موردنظر می‌رسد و از وی خواسته می‌شود که ملاحظات خود را درباره‌ی آن‌ها به صورت مکتوب ارائه کند. پس از انجام این امور، شکایت‌ها که «اطلاعیه» نامیده می‌شوند و پاسخ‌های احتمالی حکومت‌ها را کمیته‌ی معاهدات و توصیه‌های شورای اجرایی در جلسه‌ی غیرعلنی بررسی می‌کند. نمایندگان حکومت‌های موردنظر می‌توانند در جلسات کمیته شرکت ورزند، اطلاعات تکمیلی ارائه کنند یا به پرسش‌های اعضای کمیته پاسخ دهند. کمیته نخست پذیرفتنی بودن هر اطلاعیه‌ای را بررسی می‌کند، سپس اگر آن را پذیرفتنی بداند و اقدامات بعدی را در موردش ضروری بشمارد، می‌کوشد به حاکمیت راه‌حل دوستانه‌ای یاری رساند که راه ارتقای حقوق بشر را هموار می‌سازد، ارتقایی که در حوزه‌ی صلاحیت یونسکو قرار دارد. کمیته گزارشی محرمانه به شورای اجرایی یونسکو تسلیم می‌کند و این شورا می‌تواند هر تدبیری را که مناسب می‌داند، اتخاذ کند.

این رویه نه فقط موارد فردی و خاص نقض حقوق بشر، بلکه «مسائل» مربوط به تجاوزات گسترده، منظم یا آشکار به این حقوق را نیز در بر می‌گیرد. این «مسائل» ممکن است یا حاصل تراکم موارد فردی باشند که نشان‌دهنده‌ی مجموعه‌ای از تجاوزات آشکار و منظم به حقوق بشر هستند، یا نتیجه‌ی این امر که دولتی به صورت قانونی یا واقعی سیاستی مخالف با حقوق بشر را به اجرا درمی‌آورد. اطلاعیه‌های مربوط به «مسائل» نقض حقوق بشر را ممکن است شورای اجرایی یا کنفرانس عمومی در جلسه‌ی علنی بررسی کند. تاکنون این رویه به کار بسته نشده است.

رویه‌های یونسکو از جهاتی تابع پیش‌شرط‌هایی آسان‌تر از دیگر رویه‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای برخورد به نقض حقوق بشر هستند. به